

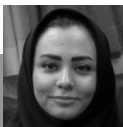


هیجان اجرا در ایران
گپی کوتاه با رام، خواننده جوان راک ایرانی
صفحه ۷

آیا گول «آباجان» را بخوریم؟
نگاهی به فیلم «آباجان»
صفحه ۶

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال سوم / شماره سی و دوم / نیمه دوم فروردین ۱۳۹۱

۰۰:۴۰



مهدیه یآوری
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳

«با بررسی های پی در پی در استان خراسان، نشان داده شده است که در بامداد ۰۰:۴۰ دقیقه زلزله ۷ ریشتری در استان خراسان در حال وقوع است.»

پیام بالا یک نمونه از پیامهای تلگرامی شب پرتنش مشهد بود که موبایل به موبایل می‌چرخید. پیش‌بینی که به طور اتفاقی صحیح از آب درآمد و منجر به هجوم گسترده مردم مشهد به خیابان‌ها و حتی خارج از شهر شد. این رویداد نیز هم‌چون سایر رویدادهای اجتماعی از جنبه های گوناگون قابل بحث و بررسی است که به چند مورد آن اشاره ای کوتاه می‌کنیم.

۱- فراخواندن مردم به رسانه های رسمی و معتبر در حالی که رسانه های رسمی به خواب عمیقی فرو رفته اند، آب در هاون کوبیدن است. پوشش دیر هنگام و ناقص اخبار زلزله در صداوسیما استان البته جای تعجب ندارد ولی به هر حال طبق معمول از عوامل اصلی شیوع شایعات است. ۲- رفتار دوگانه مسئولان شهری مبنی بر تقاضا از مردم برای حفظ آرامش و ماندن در خانه‌ها و از سوی دیگر تهیه و تمهید ستادهای اسکان در سطح شهر، خود نشان از بحران در مدیریت بحران شهری داشت. بحرانی که با سفر انتخاباتی شهردار شهر در فردای حادثه، حادثه‌تر نیز شد.

۳- ایمن نبودن و عدم اطمینان خاطر مردم از خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند نیز داستان دیروز و امروز ما نیست و گفتن و نوشتن از آن سوژه ای تکراری و خسته کننده است. نقش پررنگ شهرداری شهر در این مورد نمایان است، نه تهیه سوله‌های هر چند امن و بزرگ در شب حادثه.

۴- پررنگ شدن نقش تلگرام در زندگی روزمره ما ایرانیان نیز از جمله پدیده‌هایی است که در کنار تمام محاسنش می‌تواند هشداردهنده باشد. اطمینان خاطر بیش از حد به این ابزار مجازی کمی خوش‌یاورانه و ساده‌اندیشانه است هر چند برخاسته از بستری مناسب به نام عدم اطمینان به رسانه های رسمی باشد اما می‌تواند حداقل قابل اتکا به کانال‌های رسمی تلگرامی باشد که متأسفانه نیست. در این‌باره اشاره به روحیه‌ی شایعه پراکن و اغراق‌نمای تک تک ایرانیان نیز لازم به ذکر است که با نمودی از مدرنیته به خوبی همگن شده است. از جانب دیگر قطعا برخوردهای انضباطی و قهری با شایعه‌سازان علی‌رغم جوابدهی در کوتاه‌مدت، در بلندمدت پاسخگو نیست.

۵- همگان مشاهده کردند که در حین زلزله تقریباً هیچ کس دستورالعمل‌های لازم ایمنی را رعایت نکرد و سیل مردمی به سمت درهای خروجی خروشان شد. نظام ناکارآمد آموزش و پرورش ما طبق معمول مقصر اصلی است زیرا حتی از آموختن راه‌های نجات جان شهروندان ناتوان است. حال که این‌گونه است چه خوب است خودمان دست به کار شویم و راه‌های حفظ جانمان را خودمان بیاموزیم و به کار ببندیم.

۶- آنچه در شب زلزله قابل مشاهده بود روحیه همبستگی مردم با یکدیگر توأم با استرس و شتاب در سطح شهر بود. شهروندان زیادی بودند که پذیرای همسایگان ندیده در خانه‌ی ویلایی خود بودند و گداه‌های شبانه دلنشینی را شکل دادند. از سوی دیگر استرس مردم مشهد در خیابان‌ها، صف‌های طولانی ماشین در پمپ‌های بنزین و خوابیدن عده‌ای از مردم در ماشین‌های سواری‌شان شیئی خاص را رقم زد.

در این شماره طی مصاحبه‌ای با دکتر کیوان حسینی (رئیس مرکز تحقیقات زمین‌لرزه شناسی دانشگاه فردوسی) از کم و کیف زلزله مشهد صحبت کرده‌ایم و از حال و هوای دانشگاه در روز حادثه مطالبی را آورده‌ایم.



نگاه ویژه:

ع
به وقت زلزله

نامزدی جهانگیری تصمیم شورایعالی اصلاح طلبان بود



محمدرضا عارف، رییس شورایعالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح طلبان، در مورد نامزدی اسحاق جهانگیری در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم در کنار روحانی گفت: نامزدی معاون اول دولت یازدهم تصمیم شورایعالی اصلاح طلبان بود. ما تصمیم گرفتیم به جز آقای روحانی نامزد دیگری در انتخابات داشته باشیم که آقای جهانگیری هم قبول کردند. این دو قطعا در یک گروه هستند و در مناظرهها تقسیم کار می کنند و عملکرد دولت را توضیح می دهند. امیدواریم با حضور جهانگیری فضای انتخابات گرم شود کاندیدای اصلی ما در انتخابات روحانی است. شورایعالی اصلاح طلبان رای به نامزدی نهایی روحانی داده است. نامزدی محمد هاشمی و محسن رهامی، همانطور که گفته اند مستقل وارد انتخابات شده اند. حضور آنها باعث نمی شود ما نگران رای روحانی باشیم چون او شرایط خوبی دارد و امیدواریم با رای بالایی باز هم رییس جمهور شوند.

چهار سناریوی انتخاباتی

از چهره های اصول گرای دیگر چندان تهدیدی برای آنان به شمار نخواهد آمد لذا کمتر امکان بسیج طبقه متوسط از سوی رئیس جمهور و اصلاح طلبان خواهند یافت؛ لذا فرمول مورد اشاره یعنی تهییج فرودستان از سوی رقیب به علاوه انفعال طبقه متوسط، فرمولی خطرناک برای رئیس جمهور خواهد بود. چنانچه منجر به شکست نشود نیز دو مرحله ای شدن و چشمگیر نبودن آراء و پیروزی دکتر روحانی نتیجه حاصله از این سناریو خواهد بود. مگر آنکه قالیباف در اشتباهی تاکتیکی به جای تمرکز بر اقتصاد و فرودستان، کانون انتقاد خود را برجام و سیاست خارجی قرار داده و بدین ترتیب طبقه متوسط را به هراس انداخته و آنان را علیه خویش بسیج سازد. **سناریوی چهارم:** این سناریو مبتنی بر عدم حضور آیت الله رئیسی و به جای وی حضور نه یک کاندیدای مورد اجماع، بلکه حضور چند کاندیدای مطرح اصولگرا به مانند انتخابات ۹۲ است؛ یعنی حضور دو یا سه مهره اصولگرای سرشناس و از جمله حضور یک کاندیدای تندرو (نظیر بذریاش یا علیرضا زاکانی)، در صورت چنین سناریویی فضا قطبی نخواهد شد؛ چراکه در انتخابات قبل مشهود گشت که پایگاه رای طیف تندرو فراتر از چهار یا پنج میلیون نیست و لذا احتمال پیروزی کاندیدای مذکور، حساسیت و هراس جدی در میان طبقه متوسط بر نخواهد انگیخت. در صورت چنین سناریویی نیز دو مرحله ای شدن و در صورت آنکه رقیب مرحله دوم روحانی شخصی غیر از قالیباف باشد، یک پیروزی قاطع برای رئیس جمهور حاصل خواهد شد و چنانچه رقیب مرحله دوم قالیباف باشد همان سناریوی پیشین (سناریو سوم) قابل پیش بینی است.



آنکه محسن رضایی و مهدی کروبی کاندیداهایی با وزن سیاسی بالایی بودند لیکن در میانه فضای دو قطبی موسوی-احمدی نژاد چندان مورد اعتنا قرار نگرفته و حتی بعضا مورد تمسخر قرار گرفتند و به وجهه آنان لطمه وارد شد. در این سناریو صرفا ممکن است تنوع کاندیدا انتخاباتی را به دور دوم کشانده و در دور دوم نیز سناریوی فوق رخ خواهد داد و عملا در نتیجه تفاوت چندانی با سناریوی اول نخواهد کرد.

سناریوی سوم: این سناریو کاندیداتوری قالیباف و اجماع نسبی بر روی اوست. این سناریو تهدیدکننده ترین سناریو برای روحانی می تواند تلقی گردد. طی این سناریو در حالی که اقشار فرودست آمادگی خواهند داشت که به علت بدبینی نسبت به عملکرد دولت به رقیب وی روی آورند لیکن اقشار متوسط از آن رو که قالیباف برخلاف بسیاری

جدی در جریان محافظه کار ایجاد خواهد نمود و توازن قوا به نفع رئیس جمهور و اصلاح طلبان قدری سنگین تر می شود. از آن رو که در صورت کاندیداتوری آیت الله رئیسی انتخابات دو قطبی خواهد شد لذا سطح مشارکت بالا رفته و پر واضح است که در هر سناریویی که طی آن سطح مشارکت بالا رود و خصوصا طبقه متوسط حضور انتخاباتی پر رنگی داشته باشد، این امر بیشتر به نفع اصلاح طلبان و کاندیدای مورد حمایت آنان است تا رقبای آنان..

سناریوی دوم: این سناریو کاندیداتوری بازیگران مهم دیگری همچون قالیباف، زاکانی و ... در کنار کاندیداتوری آیت الله رئیسی است. در این سناریو که همانگونه که ذکر شد انتخابات دو قطبی شده و سایر کاندیداهای برجسته در میانه رقابت روحانی و رئیسی به حاشیه رانده خواهند شد؛ کما اینکه در انتخابات سال ۸۸ با

فرنام شکیبافر
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵



از هم اکنون پر واضح است که بازیگران اصلی (نه همه بازیگران) انتخابات پیش رو محدود به شش مورد هستند؛ رئیس جمهور و میانه روها، اصلاح طلبان، راست سنتی، راست تندرو، آیت الله رئیسی، محمدباقر قالیباف. پاره ای از چهره ها را در کنار تفکیک جناحی مستقلا ذکر کردم چراکه در ایران برخی اشخاص و رجال مستقل گاه از یک حلقه، یک حزب و حتی گاه از یک جبهه، وزنی فراتر دارند. همچنین از چمن نام نبردم چراکه متشکل از عناصری هم از راست سنتی، هم راست افراطی و حتی پاره ای از عناصر میانه روی بریده یا خارج مانده از اردوگاه اعتدالیون است و بازیگر یکدست و مستقلا نمی توان تلقی اش نمود و بعید هم به نظر می رسد که قبل یا نهایتا در بهترین حالت اندکی بعد از انتخابات از هم نباشد. سرانجام از بازیگرانی چون مؤتلفه یا افرادی چون نبردم چراکه وزن قابل توجهی نداشته و تأثیر چندان بی اثر کارزار انتخاباتی پیش رو نخواهند داشت.

سناریوی اول: سناریوی اول کاندیداتوری و اجماع اصولگرایان بر روی آیت الله رئیسی است. در صورت حضور وی این به آن معنا خواهد بود که اولاً هیچ کاندیدای اصولگرای «مطرح» دیگری پا به عرصه نخواهد گذاشت و راست سنتی و راست تندرو در جریان انتخاباتی دو قطبی در برابر رئیس جمهور و اصلاح طلبان صف آرای می کنند. نتیجه چنین سناریویی بلاشک شکست مجدد و سنگین اصولگرایان و به هزیمت رفتن آنان به رغم بسیج و تمرکز حداکثری نیروها خواهد بود. چنین چیزی بحرانی

بیا بید صحبت کنیم

افسردگی، سایه ی سردسختی های اجتماعی

پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و همکاران ایشان: «روی دختران دبیرستانی با سن ۱۴ تا ۱۹ سال این نتیجه حاصل شده است که ۲۱/۸ درصد آنان دچار افسردگی شدید و بسیار شدید می باشند! با مقایسه ارقام ارائه شده در این نگارش با متوسط های جهانی متوجه می شویم که ایران در زمینه افسردگی به وضعیت خطرناکی رسیده است. با این وجود شاهد عدم اقدامات موثر و حتی اطلاع رسانی صحیح در مورد همین کمپین از سوی فعالین حوزه سلامت روانی می باشیم! با وجود فشارهای عظیم تحصیلی، احساسی و کاری در دوران دانشجویی لازم و ضروری است دانشجویان از کمک افراد خیره بهره مند شوند که خوشبختانه مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه فردوسی به خوبی این موقعیت نیک را فراهم کرده است.

مانند شبکه های اجتماعی. این ریزش بستر بهبود را هموار ساخته و یکی از ریشه های مهم افسردگی، یعنی «تنهایی» را از بین می برد. تمامی افراد با هر سن، جنسیت، ملیت و وضعیت اجتماعی در خطر می باشند اما سازمان بهداشت جهانی به صورت اختصاصی با تمرکز بر سه گروه، به تولید محتوا و ارائه آموزش های لازم می پردازد که در وبگاه این سازمان قابل دسترس است. این سه گروه عبارتند از: ۱- نوجوانان و جوانان ۲- زنان باردار ۳- کهنسالان (افراد بالای ۶۰ سال). به گزارش انتخاب، در ایران ۱۰.۳ درصد مردان و ۱۵.۴ درصد زنان (سه برابر میانگین جهانی!) دچار این ناراحتی اند. همچنین در بین شهرهای ایران می توان تهران را با ۳۴ درصد شهر افسردگان نامید. با بررسی های انجام شده توسط خاتم دکتر معصومه کردی، استادیار دانشکده

به فعالیت های روزانه می شود. این ناهنجاری عموماً با نشانه هایی از قبیل فقدان انرژی، فقدان اشتها، خواب نامنظم، اضطراب زیاد، تمرکز کم، فقدان قدرت تصمیم گیری و احساساتی از قبیل بی ارزشی، گناه و ناامیدی همراه است و در مراحل پیشرفته فرد به سمت خودآزاری (مازوخیزم) و خودکشی کشیده می شود. اما افسردگی را می توان درمان و حتی از آن پیشگیری نمود. معمولا این اختلال با روش گفتار درمانی یا دارویی و در بعضی موارد ترکیبی از این دو کاملاً بهبود پیدا می کند. هدف اصلی این کمپین نیز بیان اهمیت و تشویق به «صحبت کردن» به عنوان هسته حیاتی بهبود است. حرف زدن در هر مقیاسی می تواند باعث فروریختن دیوار بین فرد آسیب دیده و دیگران شود، خواه در سطح خانواده، دوستان، مدرسه، دانشگاه و محل کار؛ خواه در سطح وسیع

سهراب شریفی
کارشناسی ارشد عمران ۹۵



به گزارش خبرنگار سلامت ایرنا، احمد حاجبی، مدیر کل سلامت روان وزارت بهداشت در مراسم روز جهانی بهداشت اذعان نمود که ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در ایران مبتلا به افسردگی هستند. وی همچنین افزود که ۲۳.۶ درصد افراد گروه سنی ۱۴ تا ۶۴ سال به یکی از انواع اختلالات روانی مبتلا هستند که از این تعداد ۱۲.۷ درصد افسرده هستند. این آمار بهانه ای شد تا به شعار امسال روز جهانی سلامت (۷ آوریل) بپردازیم: «بیا بید درباره افسردگی صحبت کنیم»

افسردگی نوعی اختلال روانی است که فرد به مدت حداقل ۲ هفته دچار غمی غیر قابل میاره و بی میلی نسبت

در روزهای آینده با سازمان دانشجویان

کارگاه عکاسی سه بعدی

مدرس: محمدرضا شاهپسند (اولین و تنها عکاس سه بعدی آنکری ایران با برند 3D WORLD) هزینه ثبت نام: ... کوشان مهلت ثبت نام: ۲۱ اردیبهشت زمان برگزاری: ۲۳ اردیبهشت سه راه ادبیات مجتمع دکتر علی شریعتی جهاد دانشگاهی تالار فردوسی جهت ثبت نام مشخصات (نام نام خانوادگی شماره دانشجویی نام دانشگاه نام کارگاه) خود را به شماره ۰۱۵۲۱۱۷۲۵ ارسال فرمایید. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام @SDJDK مراجعه فرمایید.

زمین من

پاک سازی طبیعت توسط دانشجویان

جمعه ۱ اردیبهشت ۹۶

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به وبسایت سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی مراجعه نمایید.

www.SDJDK.ir

سالانه عکس دانشجویان رشته عکاسی دانشگاه تهران

University of Tehran Annual Photography Student Exhibition

شبه ۲ اردیبهشت تا چهارشنبه ۶ اردیبهشت تالار فردوسی تشریحی سه راه ادبیات مجتمع دکتر شریعتی ساعت: ۱۳ تا ۲۱ و ۲۱ تا ۲۲

سالانه عکس دانشجویان عکاسی دانشگاه تهران

تشریحی: یکشنبه ها و دوشنبه ها ساعت ۱۲ تا ۱۳

آقای هادی آذری رئیس دانشگاه تهران

آقای صیاد لیلوی رئیس دانشگاه تهران و دستیار

سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی

رئیس دانشگاه آزاد مشهد: اجازه نمی‌دهیم ریالی از شهریه دانشجوی صرف حمایت از کاندیدای خاصی شود



رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی با تأکید بر بی‌طرفی دانشگاه آزاد مشهد در انتخابات آینده، گفت: اجازه نمی‌دهیم ریالی از شهریه دانشجوی صرف حمایت از طیف، حزب و یا کاندیدای خاصی شود. به گزارش ایسنا- منطقه خراسان و به نقل از روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دکتر عباس شیخ‌الاسلامی در دیدار با مدیران اجرایی و مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با بیان اینکه دانشگاه برای مشارکت حداکثری و پرشور مردم در انتخابات بیطرفانه تلاش و فعالیت خواهد کرد، اظهار کرد: با توجه به نقش دانشگاه‌ها در تنویر افکار عمومی و تشویق جامعه به شرکت در انتخابات، این دانشگاه مانند همیشه فعالیت‌های گسترده‌ای در این خصوص انجام خواهد داد ولی اجازه نمی‌دهیم ریالی از شهریه دانشجوی صرف حمایت از طیف یا حزب و یا کاندیدای خاصی شود. وی از اجرای برنامه‌های انتخاباتی توسط تشکلهای دانشجویی در دانشگاه خبر داد و افزود: تمامی این برنامه‌ها در چهارچوب قانونی و رعایت مقررات حاکم بر مؤسسات آموزش عالی کشور ابلاغی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت موسس و امضاء دانشگاه صورت می‌پذیرد.

سفر به قصه‌های مادر بزرگ حاشیه نگاری اردوهای جهادی مهرباران



ریحانه طالبی
فارغ‌التحصیل جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

باز قرار بود اردوهای جهادی بهانه‌ای باشد برای فرار از بی‌تابی‌ها و گلایه‌هایی که لایه‌های دود گرفته شهر سیاه شده بودند. باز من بودم و چمدان و چادر و نماز و ارتباط با خدایی که خیلی وقت بود قطع شده بود. انگار این اردو شده بود اعتکاف و زمانی برای خلوت با خود.

قرار بود سفر امسال ما را ببرد به آن زمان‌ها که همیشه مادر بزرگ می‌گفت همان زمان‌ها که حتی تلفن هم نبود. همان سال‌های دوری که اگر آسایش نبود آرامش بود. قرار بود چند روزی را به روش مادر بزرگ‌های قصه‌های کودکی مان زندگی کنیم. این بار قصه ما در روستا محمدزور آب ۷۰ کیلومتری بردسکن اتفاق می‌افتاد. روستایی با اهالی مهربان‌تر از هر روستای دیگر. همان اول که وارد روستا شدیم زهره خانمی را دیدیم که با خنده‌هایش، با چهره آفتاب‌سوخته ولی مهربانش به استقبال ما آمد تا آخر این سفر هم کنارمان بود هر شب در خانه مان را می‌زد با کلی حرف‌های جالب ما را سرگرم می‌کرد. روستای قصه ما هیچ وسیله ارتباطی با شهر نداشت نه تلفنی نه موبایلی هیچی درست مثل زمان‌های دوری که ما همیشه از مادر بزرگ‌ها می‌شنیدیم. دنیای بدون تکنولوژی قشنگ‌تر و جذاب‌تر بود. هر شب با یک ذهن آرام سر روی بالشت می‌گذاشتیم و به جای چک کردن تعداد لایک‌های اینستاگرام لایک‌های خود و خدا را چک می‌کردیم. هر شب ماه بود و آسمان سیاه و جشن ستارگان و ما هر شب نگاهمان را به این جشن دعوت می‌کردیم. جشنی که انگار درست در چشمان تو دارد اتفاق می‌افتد. پایکوبی ستارگان عجیب دیدنی بود.

هر روز صبح همه روپوش به تن راهی کلاس‌هایمان می‌شدیم؛ احکام، نقاشی با بچه‌ها، عروسک‌سازی، چرم، موتیف و... وقتی خسته برمی‌گشتی و می‌دیدي هم اتاقی‌ات برای جای آماده کرده و نهار درست کرده، تازه چاشنی و لذت کار گروهی را می‌فهمیدی. باز باید مثل مادر بزرگ‌های قصه چادر دور کمر می‌بستیم و تو کوچه کنار حوض کوچک خانه مان ظرف می‌شستیم آن هم چه ظرف شستنی که مدام آب قطع می‌شد تازه فهمیدیم بحران کم‌آبی جدا از جدی بودن عجب بحران سختی است!

از مادر بزرگ‌ها شنیده بودیم که آن زمان‌ها تا

و آرام و صدای پدر و مادر باشد نمازهای صبحمان قضا نبود ولی اینجا گوشه‌ای هست آرام هست صدای مادر هست ولی بازم قضاست؟

فهمیدیم می‌شود خوب بود. خوبی خرج ندارد خوبی را می‌توان در خنده مهدی دید، خوبی را در رفت و آمد هر شب زهره خانم دید، خوبی را در نگاه خاک گرفته پیرمردی دید که هر لحظه ما را می‌دید با سلامی خستگی را از تنمان دور می‌کرد، خوبی را در ذوق کودکی دید که از نقاشی خط‌خطی اش تعریف می‌کردی!

امسال زودتر از همیشه گذشت! کاش باز هم می‌شد چشمانمان جشن ستارگان را ببینند، کاش باز هم خنده‌های مهدی را می‌دیدم، کاش باز هم زیر باران کنار حوض کوچک خانمان ظرف می‌شستیم، کاش باز هم ذهنمان دور بود از تمام دغدغه‌ها، کاش... اگر هرچه در دنیای پر زرق و برق تکنولوژی غرق شدیم، اگر هرچه رنگ نگاهمان دود گرفت در شهر، اگر خاک گرفت دل‌هایمان هرچه شد فقط مراقب باشیم انسانیت و مراممان خاک نگردد.

از جنس مروراید، پسر بچه‌ای که دلخوشی تمام دل تنگی‌هایمان بود مهدی مهمان هر روز و هر شب خانه مان بود. گوشه‌ای می‌نشست بی صدا فقط نگاهمان می‌کرد و می‌خندید و خواهرش فاطمه با آن لهجه شیرین و دوست‌داشتنی اش، اتفاق‌ها را طوری برایت تعریف می‌کرد که انگار داری جذاب‌ترین فیلم سال را می‌بینی!

اما چیزی که امسال قصه و اردومان نداشت همسفر سال‌های گذشته بود ماشینی که اردو را شیرین‌تر می‌کرد، حق آب و گل داشت ولی در اردوهای جهادی امسال نبود و با ماشینی مثلاً مدل بالاتر ولی خراب‌تر و داغون‌تر جاده روستا را گذراندیم!

اردوی امسال با تمام سختی‌ها و شیرینی‌هایش زودتر از همیشه تمام شد ولی باز فهمیدیم و آموختیم که خدا در همین نزدیکیست فقط باید سر را از زیر برف نه کمی از صفحه‌ی گوشه‌هایمان دور کنیم، خدا در همین نزدیکیست فقط لا به لای پست‌ها و پیام‌های عجیب و غریب کمی در اینترنت و سایت خدا چرخ بزنیم، راستی چرا آنجا بدون اینکه گوشه

پنج کلاس بیشتر سواد نداشته بودند ولی فقط شنیده بودیم اما در روستا قصه مان دیدیم. دیدیم دختری را که هوش و ذوق خوبی داشت اما تا کلاس پنجم بیشتر سواد نداشت، دیدیم پسری را که تا کلاس پنجم بیشتر سواد نداشت، دیدیم مادری را که تا کلاس پنجم بیشتر سواد نداشت!

اینجا تمام شنیده‌ها را دیدیم! دیدیم دختری را که ۹ سال بیشتر نداشت ولی نشان کرده پسری بود که بیست و دو سه سالی داشت همان دختری که قرار بود سه چهار سال دیگر زن شرعی و عقدی اش باشد همان دخترکی که میان بازی‌هایمان تند تند دنبال توپ می‌دوید همان داشت زندگی مشترک را کم کم مزه می‌کرد. هرچه عقل‌شان بزرگ باشد غریزه کودکی‌شان را چه؟ می‌خواهید ذوق بازی کردن با عروسک‌هایش را پنهان کنید؟ تازه می‌خواهد موهای عروسکش را ناز کند که دارد موهای دخترش را شانه می‌زند و می‌خواند: عروسک قشنگ من قرمز پوشیده...

میان تمام بچه‌ها پسر بچه‌ای بود با خنده‌هایی

تأثیرگذاری به سبک تویتر فردوسی!

گفت و گو با ادمین کانال تویتر فارسی



فرناز محمدیان
کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۵

در ابتدا به معرفی کانال تلگرامی تویتر فردوسی بپردازید.

- تویتر فردوسی نامی است که با خودش چند کلمه را هم به یاد می‌آورد؛ رشد سریع، ایده‌های نو و محلی برای ایجاد تازگی و شور در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. در دنیای شلوغ امروز که سرشار از کانال‌های تلگرامی است، تویتر فردوسی با طرح‌ریزی یک جامعه از دانشجویان دانشگاه و ایده‌پردازی برای ایجاد چالش‌های شورانگیز در این جامعه، توانست در مدت کوتاهی به بزرگ‌ترین جامعه دانشجویی دانشگاه بدل گردد و نیز عنوان «تأثیرگذارترین رسانه در بین دانشجویان دانشگاه» را برای خود بسازد!

- هدف از ایجاد این کانال تلگرامی چه بود؟

- دغدغه ایجاد محیطی برای پیاده‌سازی ایده‌هایی که همیشه در ذهن جوان می‌دادند، باعث شروع تلاش‌هایی برای ایجاد این محیط می‌شد که پروژه استارت‌آپی چچیا با همین هدف تشکیل شد و چند تیم برای آن تشکیل شدند ولی با مشکلات مهمی از جمله عدم تجربه روبه‌رو شد و با وجود تیم بسیار قوی که داشت به شکست انجامید. ولی از آنجا که خود شخص آقای الف هیچگاه در برابر این مشکلات تسلیم نشد، این بار در زمانی مناسب و با طرح‌ریزی چند هفته‌ای و همچنین پشتکار و شب‌بیداری‌های چند روز اول، تویتر فردوسی را پایه‌گذاری کردند که همه تجارب حاصل از شکست‌های گذشته در این طرح، چراغ راه برای تعیین استراتژی‌های درست

اتفاقات و حوادثی که در دانشگاه رخ می‌دهد.

- با توجه به نحوه عملکرد و فکر اصلی برای کانال آقای الف که روح تمامی فعالیت‌های کانال، از این فکر سرچشمه می‌گیرد، دانشجویان به این کانال بیش از یک کانال معمول تلگرامی توجه می‌نمایند و این تأثیرگذاری ایده‌های پیاده‌شده را بیشتر می‌کند. تأکید همیشه موسس کانال، بر این بوده است که در تمامی فعالیت‌ها و هشتک‌های پیاده‌سازی شده در کانال، مبنای تصمیم‌گیری، نفع دانشجویان باشد و تمامی سرویس‌ها با هدف سود بردن بیشتر دانشجویان پیاده‌سازی می‌شوند و این فکر، تأثیر خود را بر ذهن و قلب دانشجویان نیز گذاشته است و این شروع تأثیرگذاری فعالیت‌های طرح شده در کانال بر رفتار آن‌ها در فضای دانشگاه می‌باشد. از این امکان در جهت رفاه بیشتر دانشجویان و همچنین ایجاد سرگرمی، آن هم در محیطی که شاید کمترین تلاش برای ایجاد این سرگرمی از طرف دانشگاه وجود دارد، یکی از وظایف تیم تویتر فردوسی خواهد بود.

- سخن آخر تیم تویتر فردوسی را بفرمایید.

- در مدتی که تویتر فردوسی شروع به فعالیت کرد، خواه روزهای اول که بار بسیار زیادی بر دوش اینجانب بود و خواه اکنون که یک تیم قوی را دارا می‌باشند، اعضای کانال با ابراز لطف، محبت، تعریف‌ها، نظرات فوق‌العاده و همراهی که در زمان‌های مختلف داشتند، باعث ایجاد بهترین حس برای من شدند و این حس را بهترین پاسخ می‌دانم در مقابل زمانی که در این چند مدت برای این کار گذاشتم و باید بگویم که من یادم هست و همچنین به هسته مرکزی ادمین‌ها و تیم ایده‌پردازی کانال باید بگویم: نخسته و دمتون گرم!

در قالب توییت به مخاطب داده می‌شود و سرویس‌هایی که استقبال اولیه خوبی از آن‌ها می‌شود، تبدیل به کانال‌های دیگر با تیم اجرایی متفاوت می‌گردند. در حال حاضر سعی کردیم تمامی نیازهایی را که زندگی دانشجویی می‌طلبد، برای اجرایی شدن در کانال، طراحی و به تدریج اجرا کنیم که هر کدام از این فعالیت‌ها، با هدف پوشش تمامی دانشجویان ایران در بستر دانشجویان دانشگاه فردوسی، شروع به کار می‌کنند!

- نقش کانال را در فعالیت‌های دانشجویان و دانشگاه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (با توجه به چالش‌ها و یا

شدند و به موفقیت این حرکت، در مدت زمان بسیار کوتاهی انجامید و در حال حاضر دارای یک تیم بسیار قوی برای ایده‌پردازی، اجرا و نشر ایده‌های جدید می‌باشند که طرح‌های زیادی را برنامه‌ریزی نموده‌اند.

- لطفاً امکانات کانال تویتر فردوسی را معرفی نمایید.

- کلیدی‌ترین امکان کانال، این است که به دانشجوی فرصت می‌دهد به زبان توییتی از دغدغه‌ها و ذهن مشغولی‌هایش بنویسد و این نوشته را بیش از ۵ هزار نفر دیگر مشاهده کنند. سایر امکانات کانال هم که به تجربه و هم چنین ایده‌پردازی‌هایی که هر روز در حال انجام است،

دستگیری مظنونین پخش شایعات در زلزله مشهد

به گزارش فارس، جواد جهانشیری(رئیس پلیس فتای خراسان رضوی) در ارتباط با افرادی که با پخش شایعات در صفحات مجازی موجب تشویش اذهان عمومی شدند، اظهار داشت: پیگیری این شایعات و شناسایی افراد و لیدرهایی که اقدام به پخش این اخبار در فضای مجازی کرده‌اند در دستور کار پلیس قرار دارد. رئیس پلیس فتای خراسان رضوی ادامه داد: در همین زمینه چند مورد نیز تاکنون شناسایی و دستگیر شده‌اند که پس از ارجاع به دستگاه قضایی و اثبات اتهام، به اطلاع عموم خواهد رسید. جهانشیری با تأکید بر اینکه مردم اخبار حوادث غیرمترقبه را تنها از منابع موثق و مراجع رسمی پیگیری کنند، اشاره کرد: شبکه‌های پیام‌رسان پرمخاطب استان عموماً مدیریت‌شده هستند و هر آنچه که خواهد با ایجاد عملیات روانی موجب نگرانی مردم شود، تحت کنترل است. وی توضیح داد: تنها موارد محدود آن هم در برخی کانال‌های کوچک پیش می‌آید که غالباً به دلیل عدم اطلاع یا سهل‌انگاری برخی کاربران و گاهی نیز عمداً و هدایت‌شده صورت می‌گیرد که آن‌ها نیز در دستور کار پلیس قرار دارد و پیگیری‌هایش انجام می‌شود اما ممکن است از لحاظ فنی کمی زمان ببرد. رئیس پلیس فتای خراسان رضوی با تأکید بر اینکه با افرادی که اقدام به پخش اینگونه شایعات در فضای مجازی می‌کنند به شدت برخورد می‌شود، یادآور شد: اسامی این افراد به محض قطعی شدن اتهام، اطلاع‌رسانی خواهد شد.



دکتر کیوان حسینی در گفتگو با وقایع اتفاقیه:

بایستی با زلزله زندگی کنیم!



ساعت ۰۰:۴۰ بامداد شب واقعه براساس روشی

علمی بود و یا صرفاً یک حدس و گمان بود؟

با واژه پیش‌بینی یا در حقیقت prediction از دو منظر متفاوت باید رو به رو شویم؛ یکی از منظر عمومی، یکی از منظر تخصصی. از منظر عمومی پیش‌بینی به معنای این است که ما بتوانیم دقیقاً، ساعت یا چند روز قبل از وقوع زلزله را با زمان دقیق مشخص کنیم، مثلاً بگوییم زمین لرزه در روز فلان، ساعت و دقیقه فلان و در کجا اتفاق می‌افتد. چنین نگاهی اشتباه است. در واقع رفتار زمین لرزه و نوع ایجاد آن به گونه ای است که چنین پیش‌بینی امکان پذیر نیست. ولی در نگاه تخصصی پیش‌بینی می‌تواند اتفاق بیفتد. از لحاظ تخصصی دو نوع پیش‌بینی وجود دارد: ۱) پیش‌بینی لحظه‌ای و در زمان بسیار کوتاه (۲) پیش‌بینی در زمان طولانی. مثلاً در صد سال آینده می‌توانیم احتمال وقوع زلزله را داشته باشیم. بخش اول که لحظه ای است از اختلاف دو موج **P** و **S** زمین لرزه می‌توانیم این پیش‌بینی کوتاه مدت را داشته باشیم. وقتی که انرژی آزاد می‌شود و ایجاد زمین لرزه و موج می‌کند، این موج از کانون حرکت می‌کند و منتشر می‌شود. با انتشار انواع موج‌های مختلف که نوع حرکتی آنها متفاوت هست تولید می‌شود. دو نوع از موج‌های مهم که در داخل زمین تولید می‌شوند: موج **P** یا موج طولی و موج **S** یا موج عرضی است. از آنجایی که موج **P** موج طولی می‌باشد سرعت حرکت و انتشار آن بیشتر از موج عرضی است، بنابراین اولین موجی که به محل می‌رسد موج **P** می‌باشد و بعد از آن موج **S** می‌رسد. منظور از عرضی و طولی نوع انتشار و نوع حرکت موج است. جهت انتشار موج **P** با جهت حرکت ذراتی که آنها را به جلو می‌راند و حرکت می‌دهد موازی هم است به همین جهت به آن طولی گویند. در صورتی که موج **S** جهت انتشار با جهت حرکت ذرات عمود بر هم است به همین جهت به آن موج عرضی گفته می‌شود و به خاطر همین امر در سرعتش تاخیر ایجاد شده و دیرتر می‌رسد. موج **S** چون موجی عرضی و یا برشی است به عنوان موج مخرب از منبع زمین لرزه داشته باشیم می‌توانیم زمان لازم را تا قبل از رسیدن موج **P** درک کنیم که در حد چندین ثانیه می‌باشد. سوال اینجاست که در این چند ثانیه چه می‌توان کرد؟ باید گفت این چند ثانیه بسیار حیاتی است و خیلی کار می‌توان انجام داد و ما می‌توانیم به طور انومات مراکز انرژی را مثل برق، آب و گاز را قطع بکنیم و یا خطوط ریلی را متوقف کنیم، و در نتیجه باعث کم شدن خسارت مالی و یا جانی شویم.

– زیر ساخت های پیش بینی لحظه ای و در زمان بسیار کوتاه در ایران و اختصاصاً در مشهد ایجاد شده است؟

گمان را دقیق تر می‌کنیم. برای دقت کامل و نتیجه نهایی شبکه لرزه نگاری موقت را نصب می‌کنیم. دانشگاه فردوسی مجهز به دو سیستم شبکه لرزه نگاری دائم و موقت است. ما از شبکه لرزه نگاری موقت برای ارزیابی دقیق تر استفاده می‌کنیم. برای همین در این چند روزه اخیر شبکه را در منطقه نصب کردیم و در حال حاضر در حال ثبت پس لرزه‌ها هستیم. با تحلیل این پس لرزه‌ها ما موقعیت دقیق گسل را می‌توانیم مشخص کنیم. از لحاظ حدس و گمان‌هایی که وجود دارد به نظر می‌آید که این زمین لرزه حاصل از فعال شدن انتهای شرقی شاخه‌هایی از گسل کشف رود است که البته با پردازش های نهایی باید مطمئن شویم. در خصوص زلزله که با نام سفیدسنگ ارائه شد و هنوز بعضی از شبکه‌ها با همین نام از آن یاد می‌کنند، باید بگوییم عملاً نام سفیدسنگ برای این زلزله نام مناسبی نیست. چرا که در سفیدسنگ تخریبی انجام نشده است. کانون زلزله از سفیدسنگ فاصله دارد و است. مرکز زمین لرزه به نظر می‌آید در جایی نزدیک بین روستاهایی به نام «دو قلعه براشک» و روستاهای مجاور مانند روستای «کوه سفید» قرار دارد. لذا من پیشنهاد می‌کنم نام زلزله را به نام «روستای دو قلعه براشک» نام گذاری کنیم. از سوی دیگر بزرگی زمین لرزه حدود ۶.۱ تا ۶.۲ برآورد شد. بزرگی زمین لرزه را در محل کانون زمین لرزه برآورد می‌کنیم و ربطی به فاصله ندارد. چیزی که با فاصله ارتباط پیدا می‌کند و در گزارش‌ها از آن یاد می‌کنیم شدت زمین لرزه است. شدت زمین لرزه به واسطه تأثیر گذاری انرژی حاصل از آزاد شدن نیروهای تجمع یافته در زمین دامنه با فاصله کم می‌شود و بنابراین تأثیر آن بر سازه‌ها با فاصله کمتر می‌شود. این یک امر عمومی است، حالت خاص هم داریم که می‌تواند بیشتر شود. بنابراین شدت زمین لرزه در مشهد به مراتب کمتر از شدت زمین لرزه در نزدیکی کانون زمین لرزه بوده است و همانطور که مشاهده می‌شود تخریب در نزدیکی کانون زمین لرزه بیشتر است ولی در مشهد در حد یک لرزش بود که مقداری شدید به نظر آمد و باعث هراس مردم شد. شدت زمین لرزه با واحد مرکالی سنجیده می‌شود که در این خصوص هنوز به دقت تعیین نشده است. واحد مرکالی یک واحد توصیفی است، به این معنا که وقتی دیوارها به طور کامل تخریب می‌شود، زمین حرکت زیادی دارد واحد ۰.۱۱ (۱ حداکثر ۱۲ که در نزدیکی محل کانون است. به نظر می‌آید. در مشهد فقط در حد ریزش وسایل خانه یا حرکت لوستر اتفاق افتاد که در حد ۳ و یا ۴ مرکالی است و بیشتر نیست.

– سوال بعد میحث جنجالی پیش بینی زلزله است که پاسخ روشن به آن می‌تواند رهگشای این پرسش باشد که آیا پیش بینی وقوع زلزله در

مهدیه یوری
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳



پیش مصاحبه: «شب زلزله کجا بودید؟» سوال ما از دکتر سیدکیوان حسینی(رئیس مرکز تحقیقات زمین لرزه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد) در اواخر مصاحبه بود. پاسخ نیز طبق پیش‌بینی این بود که در منزل بوده ام. اما توضیحات علمی و قانع‌کننده این تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه کیوشا ژاین در طی مصاحبه منجر شد تا جواب وی را بپذیریم. این مصاحبه چند روز پس از زلزله در دفتر مرکز تحقیقات زمین لرزه شناسی دانشگاه فردوسی انجام شد. در روزی که پس‌لرزه‌ها همچنان ادامه داشت.

– با توجه به تاریخچه شهر مشهد، آیا اساساً این شهر زلزله خیز است و اصطلاحاً روی گسل‌های زلزله قرار دارد؟

– ببینید شمال شرق ایران که مشهد هم جزء آن است، منطقه‌ای لرزه‌خیز است البته عمده بخش‌های ایران از خطر لرزه خیزی و زلزله زایی بالایی برخوردار است. در طول تاریخ زلزله‌های متعددی در منطقه شمال شرق ایران اتفاق افتاده است. یکی از این زلزله‌ها که به سال ۱۶۷۸ میلادی برمی‌گردد و بسیار شدید بوده حدود چهار هزار نفر کشته در مشهد داشته است. زلزله‌های دیگری هم در مشهد بوده که حتی به حرم امام رضا(ع) هم صدمه وارد کرده و گلدسته‌ها و گنبد آسیب دیده است. منشا این زلزله‌ها، گسل‌های فعالی هستند که در منطقه وجود دارند. گسل یک پدیده زمین‌شناسی است، صفحه‌ای تعریف می‌شود که بلوک‌ها یا قطعات طرفین این صفحه نسبت به همدیگر بر روی صفحه حرکت می‌کنند و به نام گسل نامگذاری می‌شوند. گسل‌های فعالی اطراف مشهد داریم که مهمترین آن گسل سبک بست شاندریز است که فاصله کمی حدود چهار کیلومتر با مشهد دارد. گسل دیگری که در بخش شمالی مشهد قرار دارد و گسل‌های دیگری هم مثل گسل نیشابور و یا گسل قوچان می‌تواند مشهد را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین مشهد در جایی بنا شده است که لرزه‌زاست و ما گریزی از بحث زلزله نداریم. من همیشه توصیه کردم که ما بایستی با زلزله زندگی کنیم. این که بخواهیم از زلزله فرار کنیم کار منطقی نیست. واژه ای از مدت‌ها پیش در بحث مدیریت بحران تحت عنوان مقابله با زلزله باب شده است. من این واژه را قبول ندارم، مقابله با یک پدیده طبیعی از طریق بشر امکان پذیر نیست چون در حد مقابله با یک پدیده طبیعی بزرگ نیستیم. به همین دلیل باید خودمان را با این پدیده سازگار کنیم و برای سازگار کردن باید آن را خوب بشناسیم. اگر شناخت ما در خصوص این پدیده بالاتر رود، ترس و واهمه بیهوده ما از این پدیده کمتر می‌شود و می‌توانیم سازگاری بهتری با آن پیدا کنیم. طبعاً مهم ترین سازگاری مقاوم سازی ساختمان‌های ماست. ما اگر ساختمان‌های خود را بر اساس مطالعات مهندسی مقاوم سازی کنیم دیگر هیچ نگرانی نخواهیم داشت.

– ابتدا برایمان بگویید زلزله اخیر در بستر کدام یک از گسل‌های مذکور رخ داده است و ثانیاً یکی از مباحثی که در افکار عمومی مطرح بود این هست که مرکز زلزله اگر سفیدسنگ باشد آیا مشهد هم با همان قدرت مرکز زلزله لرزیده و قدرت زلزله در مشهد، همان شش ریشتر بوده است؟

– به نکته خوبی اشاره کردید. به طور دقیق نمی‌توان گسلی که مسبب این زمین لرزه بود را اعلام کرد و ما هم چنان در حال مطالعه هستیم. به نظر می‌آید این گسل گسیختگی سطحی نداشته و قدرتش آنقدر نبوده است که بتواند گسیختگی گسل به سطح زمین برسد. در پی جویی‌هایی صحرایی که داشتیم هنوز هیچ گونه گسیختگی حاصل از این گسل را ندیدیم. به هم ریختگی‌های زیادی وجود دارد ولی گسیختگی وجود ندارد. معمولاً برای مشخص کردن گسل مسبب، علاوه بر این که ناحیه تخریب را مشخص می‌کنیم و بر اساس ناحیه تخریب حدس و

– در ایران بله ولی در بحث اجرا چند صباحی بیشتر نیست که در شهر تهران، شروع به اجرا کرده است. البته معرفی آن در دنیا مدت زمان زیادی است که انجام شده است ولی از نظر اجرا در ایران ما دچار مشکل هستیم. مشهد هم به همین صورت. غیرمطمئن پیشنهادهای زیادی که از سمت دانشگاه فردوسی به استانداری داده شده، ولی هنوز اجرا نشده است.

– پس شایعه پیش‌بینی و همزمانی آن از اساس کذب بوده و کاملاً اتفاقی رخ داده است؟

– بله، اخباری که مخصوصاً از سایت‌های خارجی خبر از زلزله مهیب می‌داد کاملاً کذب بود ولی وقوع پس لرزه را تا حدی پیش‌بینی کرده بودیم که در آن حد می‌تواند اتفاق بیفتد.

– آقای دکتر با این حال، عملکرد ستاد بحران استان را در خصوص فراخوان عمومی برای حضور در محل‌های اسکان با توجه به این که معتقدید تنها پس لرزه پیش‌بینی شده بود، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– حقیقتاً فکر می‌کنم بیشتر از سمت مردم شروع شد، البته نمی‌گویم مردم حق ندارند، بارها در مصاحبه‌های قبلی هم گفتم، مردم حق داشتند چنین واکنشی نشان دهند که حالا دلایل آن قابل بحث است. ولی وقتی که مردم از خانه‌های خود خارج شده و احساس ترس می‌کنند، این وظیفه شهرداری است که امکانات لازم را در اختیار مردم قرار دهد. از مدت‌ها قبل با برگزاری مانورها قصد آماده‌سازی در خصوص چنین موقعیت‌هایی را داشتیم. این مانورها خوب بوده ولی زلزله اخیر نشان داد با آنچه که شرایط مطلوب است فاصله زیادی داریم. مدیریت بحران شهرداری و بالاخص استانداری هنوز باید کارهای بسیار زیاد و پایه‌ای را انجام دهد که بتوانیم در زمان بحران واقعی روسفید بیرون بیاییم.

– با توجه به اطلاعاتی که به ما دادید آیا در یک چشم‌انداز وسیع می‌توان پیش‌بینی کرد که زلزله مخربی در مشهد در آینده رخ دهد؟

– با توجه به مطالعات آماری که بر روی زلزله‌های تاریخی مشهد انجام داده ایم، به این نتیجه رسیده‌ایم که گسل‌های اطراف مشهد هم در زمان آزاد سازی انرژی خود قرار گرفته‌اند و ما می‌توانیم هر لحظه انتظار وقوع زمین لرزه را از این گسل‌ها داشته باشیم. البته به نظر می‌رسد پتانسیل بزرگی زلزله در مشهد به اندازه تهران نیست ولی شهرهایی مثل قوچان پتانسیل زیادی در حد هفت ریشتر دارند. ولی تاریخ زلزله‌های مشهد نشان می‌دهد بزرگی زلزله در حد هفت ریشتر را تجربه نکرده است، بنابراین به نظر می‌رسد زلزله ای در این حد را در مشهد نداشته باشیم.

– به عنوان سوال آخر برایمان بگویید آیا شما شب حادثه به خیابان رفتید؟

– نه! بنده به راحتی خوابیده بودم. البته با پس‌لرزه بیدار شدیم ولی بعد باز به راحتی خوابیدیم. ما اعلام کرده بودیم مشکلی وجود نخواهد داشت. مردم راحت باشند و فقط نکات ایمنی را رعایت کنند. در آینده هم همینطور باید باشد. باید نکات ایمنی مربوط به زلزله را رعایت کنید. به این معنا که بایستی چمدان کوچک خود را همیشه آماده داشته باشیم، لباس گرم، رادیو، چراغ قوه، اندکی پول و... در یک چمدان کنار گذاشته شده داشته باشیم و نقاط امن خانه خود را بشناسیم و در زمان زلزله فقط در آن نقطه پناه بگیریم. در زمان و در لحظه زلزله به هیچ عنوان خروج از منزل توصیه نمی‌شود. وقتی که لرزش تمام شد اگر فرصت بود خارج شویم و در منطقه امن خارج از منزل پناه گرفته شویم. در داخل شهر با توجه به وجود سازه‌های بلند این امر امکان پذیر نیست، متأسفانه مرتفع‌سازی در ایران و همچنین در مشهد رسم شده است. توصیه من به مردم این است در زمان بحران آرامش خود را حفظ کنند و توجه خود را به رسانه‌های معتبر معطوف بکنند و از طریق رسانه‌های مجازی کمتر این مساله را دنبال کنند، وظیفه ما این است که این مطالعات و این اطلاع‌رسانی را انجام دهیم و امیدوارم برای مسئولین بالاخص در استانداری هم این زلزله درسی باشد تا توجه بیشتری به مراکز علمی داشته باشند.

در صورتی که زلزله رخ دهد و ساختمان شما سالم بماند، خوب است یکسری نکات مورد توجه قرار گیرد. در واقع ایمنی بعد از وقوع زلزله به همان اندازه اهمیت دارد که رعایت اصول ایمنی قبل و حین وقوع زلزله دارای اهمیت و اولویت است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، در صورتی که زلزله رخ دهد، حتی اگر از نظر شما زمین لرزه نسبتاً خفیف است، بهتر است از ساختمان خارج شوید. ممکن است شما با پیش لرزه یک زلزله شدید مواجه شده باشید. در صورتی که قصد خروج از ساختمان را دارید، به شیشه‌های شکسته ناشی از سقوط تابلوها، آینه‌ها و یا دکوراسیون منزل توجه نمایید. همچنین اگر به کفش یا دمپایی دسترسی ندارید بهتر است با استفاده از پارچه و تکه‌ای کاغذ یا مجله کف پاهای خود را بپوشانید تا شیشه وارد پای شما نشود.

به بوی گاز و یا نشست سایر موارد سوختی توجه نمایید. در صورت احساس بوی گاز از روشن کردن کبریت یا چراق قوه و موارد این‌چنینی خودداری نمایید. مراقب سیم‌های آویزان و یا افتاده بر روی زمین باشید. در صورت عدم قطع جریان برق، خطر برق‌گرفتگی وجود خواهد داشت.

زلزله و واکنش اساتید ...

زلزله در دانشگاه فردوسی

فرناز محمدیان

ارشد حقوق خصوصی ۹۵



تعطیل اعلام کرد و دانشجویان مشهدی دانشگاه را ترک کردند. دانشجویان خوابگاهی هم به ناچار به خوابگاه بازگشتند. با توجه به پس‌لرزه‌های متوالی، دانشجویان خوابگاهی بیرون از خوابگاه جمع شدند و با روشن کردن آتش، محفلی تشکیل دادند. ساعاتی به همین منوال گذشت که با توجه به ورود هوا، مجبور شدند به نمازخانه خوابگاه یا مسجد دانشگاه مراجعه کنند. شایعاتی که در مورد پس‌لرزه‌های بعدی بود، موجب شد دانشجویان و خانواده‌های آنان، بیش از پیش مضطرب شوند. در کنار دانشجویان مضطرب، دانشجویان فارغی هم بودند که از این دوره‌ی ایجاد شده بسیار خرسند بودند. با پس‌لرزه ساعت ۰۰:۳۷ بامداد، برخی دانشجویان خوابگاه‌ها را ترک کرده و شب را در محوطه دانشگاه به صبح رساندند. دانشگاه روز پنجشنبه هم تعطیل شد. در این مدت، دانشجویان همچنان در شبکه‌های مجازی، فعال بوده و سایرین را از دغدغه‌های خود مطلع می‌کردند. برخی عکس خود برای گروه دوستان خود می‌فرستادند و در اندک مدتی، تصویر خود را در کانال‌های دانشگاه و شهر مشهد مشاهده می‌کردند! برخی فرصت را مغتنم شمردند و از دوستان خود حلالیت طلبیدند! ...

اکنون، با گذشت بیش از یک هفته از زلزله، همچنان در دانشگاه شاهد پس‌لرزه‌هایی هستیم که امیدواریم ختم به خیر شود و به زودی به پایان برسد. همچنین شایسته است از مرکز تحقیقات زمین‌لرزه‌شناسی و اساتید متخصص در این حوزه دانشگاه فردوسی مشهد که لحظه به لحظه ما را از اوضاع مطلع می‌کردند، تشکر کنیم.

زلزله ای که دانشگاه فردوسی را لرزاند، فقط یک زلزله نبود! در مورد مسائل زیادی آگاه شدیم. یکی از مسائل، ساختمان‌های محکم دانشگاه بود که زلزله ۶،۱ ریشتری را کمتر از آن چه که در واقع بود، احساس کردیم. یکی دیگر از مسائل، شناخت اساتید بود! برخی اساتید محترم به محض شروع زلزله، ابتدا کلاس درس را ترک کرده و حتی به دانشجویان هشدار ندادند. برخی اساتید وفادار، ابتدا دانشجویان را از کلاس خارج کرده و سپس خودشان کلاس را ترک کردند. برخی اساتید متعهد هم به درس ادامه دادند و کوچک‌ترین واکنشی به این واقعه نشان ندادند، اما از بد حادثه، زلزله آن‌قدر طولانی بود که بالاخره این گروه اساتید هم مجبور به ترک کلاس شدند. سالن‌ها از انبوه جمعیت دانشجویان بسیار شلوغ شد و تلاش شد تا دانشکده‌ها تخلیه شوند. به دلیل رغب و وحشت ایجاد شده، برخی اساتید دیگر کلاس را ادامه نداده و دانشجویان در محوطه بیرون دانشکده‌ها ماندند. اما برخی دیگر به کلاس درس بازگشته و تمامی پس‌لرزه‌ها را تا راس ساعت ۱۱:۳۰ در کلاس حس کردند و از درس و محضر استاد بهره بردند! در دانشکده الهیات، به محض وقوع زلزله، اساتید و دانشجویان در محوطه دانشکده نماز آیات اقامه کردند. بعد از پایان کلاس‌ها، همه دانشجویان بیرون دانشکده‌ها ایستادند و قصد بازگشت مجدد به کلاس‌ها را نداشتند. باتوجه به شدت پس‌لرزه‌های آغازین زلزله، دانشگاه کلاس‌های روز چهارشنبه را

تنورداغ مجازی

محمد علی شاهین

کارشناسی گفتاردرمانی ۹۴



که نگران از وضعیت فرزندانمان و متاثر از شایعات بی‌اساس مطرح شده چندین بار با فرزندانمان تماس می‌گرفتند و جویای حال آنان می‌شدند. دست بر قضا یکی از پیش‌گویی‌ها در مورد پس‌لرزه‌ای بزرگ در ساعت ۰۰:۳۷ دقیقه بامداد پنجشنبه درست از آب درآمد و این تقارن، عاملی شد تا نه تنها مابقی شایعات درست انگاشته شوند، بلکه راه برای انتشار گمانه‌زنی‌هایی از این دست نیز باز شود و مردم با اعتماد و البته ترس بیشتری پیام‌ها و اخبار را برای دوستان خود ارسال کنند! البته با توجه به تعداد بسیار زیاد پس‌لرزه‌هایی که در ساعات پس از زلزله اتفاق افتاده بود، به حقیقت پیوستن بخشی از این شایعات، امر دور از ذهنی نبود. جدای از بحث، در مورد منابع شایعات و تکذیب‌هایی که یکی پس از دیگری منتشر می‌شد، همچنان و ولع مردم به شنیدن و بازگو کردن این اخبار، بدون هیچ اطلاعاتی از صحت و سقم آن جای تعجب داشت! گویا همگی خود را در یک مارا تن تلگرامی می‌دیدند که برنده آن، کسی است که زودتر از دیگران این اخبار را به سمع و نظر اطرافیان خود برساند!! متأسفانه تاکنون شاهد این قبیل بی‌اخلاقی‌ها و جوزدگی‌ها در اتفاقات و حوادث گذشته بوده ایم که بعضاً هزینه‌های قابل توجهی برایمان داشته است. به امید روزی که قبل از پخش کردن اخباری که به دستمان می‌رسد، کمی در مورد موثق بودن آن تحقیق کنیم.



به وقت زلزله



تصویری از شکاف زمین در مرکز زلزله حوالی سفیدسنگ



ترک‌های سردر بازار رضا پس از وقوع زلزله صبح



گده نشینی مردم پس از زلزله بامدادی



ازدحام مردم در برابر مجتمع تجاری زیست خاور دقایقی پس از وقوع زلزله صبح

کافه تریا

راه طولانی رسیدن به خانه

نگاهی به فیلم Lion



پریسا علیزاده

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

Lion به کارگردانی «گرت دیویس» بر اساس داستان واقعی و برگرفته از کتاب «راه طولانی رسیدن به خانه (Along way home)» نوشته ی «سارو» شخصیت اول داستان فیلم است که در شش بخش مختلف نامزد اسکار شد. اما با وجود نقاط قوت بسیاری نسبت به سایر نامزدها در بخش های مختلف موفق به دریافت جایزه در آکادمی اسکار نشد. (Lion) به داستان کودکی گم‌شده ای به نام سارو می پردازد که به طور تصادفی هزاران مایل از خانه دور می شود و پس ازبشت سر گذاشتن سختی ها و مشکلات بسیاری در این راه توسط یک خانواده استرالیایی (دیوید ونهام و نیکول کیدمن) به فرزندی گرفته می شود و در بزر گسالی به تلاش برای پیدا کردن مادر و خانه‌اش می‌پردازد .

(Lion) از آن دسته فیلم‌هایی است که عموم مردم آن را می پسندند چرا که مردم عمدتا علاقه خاصی به چنین داستان‌های ناراحت کننده و سوزناکی دارند که از سال‌های دور از خانه و خانواده و همچنین لحظه‌ی لذت‌بخش در آغوش هم رفتن دو جدا افتاده بعد از ناامیدی‌های بی‌پایان آن سخن می‌گوید. تماشگر دو بخش بزرگ از فیلم را می بیند ؛ در قسمت اول که بیشتر از حد انتظارات ظاهر شد و قسمت بسیار بهتری در مقایسه با قسمت دوم محسوب می‌شد . ما با پسربچه‌ی ۵ ساله‌ای به نام سارو (سانی پوار) آشنا می‌شویم که با مشکلات و خطرات تنهایی بسیاری دست و پنجه نرم می کند ، در واقع چیزی که بیننده را مجذوب فیلم می کند بازی فوق العاده قوی این بازیگر کم سن وسال است که به کارگردانی خوب فیلم برمی گردد در حالی که (Lion) حتی در بخش کارگردانی نامزد اسکار هم نشده بود ! در قسمت دوم که به بزرگسالی سارو (دو پاتل) می‌رسد او با درگیری های دیگری دست و پنجه نرم می‌کند به طوری که جای خطرات فیزیکی در کودکی با خشم و عذاب وجدان تغییر می کند.

ممکن است بیننده در اولین برخورد با (Lion) به یاد میلیونر زاغه‌نشین (Slumdog Millionaire) بیافتد چرا که علاوه بر حضور دو پاتال در نقش اصلی که همه ی ما او را با میلیونر زاغه نشین می شناسیم ، هر دو فیلم بر اساس داستان واقعی ساخته شده و درباره‌ی کودکان فقیر هندی ست که تجربیات دگرگونی را تحمل می کنند و وارد دنیای جدیدی می‌شوند. اما به سرعت ثابت می‌شود که این فیلم منحصربه‌فرد خودش است چون برخلاف کارگردانی خوب دنی بویل، گرت دیویس فیلمش را تا حد امکان به طور واقع گرایانه‌ای به تصویر می کشد به طوری که از استعاره‌پردازی‌های افراطی دوری کرده و فقط سعی در این دارد که بیننده را در فضای ذهنی کاراکترهایش قراردهد. چه در زمانی که دوربین از فاصله‌ی بسیار دوری چراغ‌های روشن واگن‌های قطار در شب را نشان می‌دهد تا عمق تنهایی طاقت‌فرسای ساروی کوچک را در ک کنیم و چه زمانی که ساروی بزرگ در هر نقطه و مکانی تصویر مادر و برادرش را می‌بیند، حالتی خاطره‌انگیز و روایی به فیلم می‌بخشد. فیلمبرداری که گرت دیویس در اولین تجربه کارگردانی تعیین کرده قابل تجسین است. این نماها به خصوص در زمانی که داستان در ذهن قهرمان فیلم دنبال می شود تماشایی تر هم هستند. (Lion) ظرفیت بالایی برای برانگیختن احساسات بیننده دارد؛ البته این برانگیختن به هیچ عنوان از احساسات مخاطب سوء استفاده نمی‌کند؛ با این حال بزرگترین ضعف این اثر می تواند مربوط به فیلمنامه ی آن باشد که شاید کشش لازم برای تبدیل شدن به یک فیلم بلند سینمایی را نداشت! تصاویر جذاب و تماشایی از مناظر طبیعی به همراه قاب بندی‌های جذاب آن که از (Lion) اثری چشم نواز ساخته است نمی تواند جایگزین ضعف‌های فیلمنامه باشد ، یکی دیگر از نقاط ضعف فیلمنامه به تنها شخصیت غیرواقعی داستان یعنی نامزد سارو با بازی «رونی مارا» برمی گردد؛ طوری که بود و نبود او در فیلم فرق چندانی نمی کند در حالی که با تاکید بیشتر بر این شخصیت غیر واقعی می توانست فیلمنامه قوی تری داشته باشد. در نهایت باید گفت (Lion) داستان یک سفر تماشایی وجذاب است که در نهایت به یک خودشناسی بزرگ منجر می شود در حالی که دیالوگ های فوق العاده ای دارد و از بیشتر جنبه ها ستایش مخاطب را به همراه دارد؛ این اثر دلنشین به خصوص در بخش بازیگری یکی از بهترین‌های سال به شمار می رود.

۶

نظروکیل پرونده پزشکی عباس کیارستمی ، درباره ادعای خطای پزشکی در مرگ عارف لرستانی

عادل مقدس (وکیل پرونده پزشکی رضا رستمی و عباس کیارستمی) با ابراز تاسف از درگذشت عارف لرستانی افزود: یکی از معضلات و مشکلات در پرونده‌های پزشکی عدم توجه به مدارک است. اصلی‌ترین مدرک برای اثبات خطای پزشکی جسم بیمار و متوفی است. بهتر است قبل از آنکه ما به کارهای ژورنالیستی روی بیاوریم، تلاش کنیم تا جسد متوفی سریع‌تر به مرحله کالبدشکافی برسد. این اقدام صحیح جهت ننگه داشتن دلایل و مدارک تنها با درخواست اولیای دم و با دستور قضایی امکان‌پذیر است. وی ادامه داد: علاوه بر جسد متوفی که می‌تواند در هنگام کالبدشکافی بسیاری از مسائل را روشن کند، پرونده پزشکی نیز بسیار موثر است. درباره زنده‌یاد عارف لرستانی باتوجه به اینکه در کمتر از ۲۴ ساعت بعد از مراجعه به بیمارستان فوت کرده است، نمی‌توان پرونده پزشکی مفصلی داشت، باید دید پزشک عمومی زنده‌یاد لرستانی را معاینه کرده است یا متخصص؟ در ضمن باید به یاد داشته باشیم که آن پرونده نتیجه تشخیص پزشکی است که معاینات و اقدامات را انجام داده و ما از او در حال حاضر شاکی هستیم. بهترین راه برای اثبات خطای پزشکی کالبدشکافی است که بعضا اقدامات پزشک معالج و پرونده پزشکی بیمار را هم زیر سوال می‌برد. تا زمانی که کالبدشکافی نشود مدرک قابل قبولی در دست نیست و معمولاً پزشکان رفتار خود را با این استدلال که هیچ مدرکی در دست نیست و ما اقداماتمان را براساس تشخیص انجام داده‌ایم، توجیه می‌کنند.

نیمه دوم فروردین ۹۱

آیا گول «آباجان» را بخوریم؟

نگاهی به فیلم آباجان



سارا شجاع

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

حقیقت این است زمانی که شما خسته از روزمرگی و اتفاقات تکراری پیرامون می شوید ، یکی از کارهایی که معمولاً انجام می دهید اراده کردن برای رفتن به سینماست. در این مرحله یا به همراه دوست، آشنا یا خانواده قصد رفتن می کنید یا هم به تنهایی به دنیای سینما سفر می کنید. نوبت مرحله انتخاب فیلم که برای بعضی ها مهمترین بخش است می‌رسد. ولی برای کثیری از مردم هم بخش مهمی نیست چراکه صرفاً خواستار تنوع هستند. در آخر هم (در شهر مشهد)شما مجبور هستید حدود مبلغ ۱۲ هزار تومان در سینما هویزه و ۸ هزار تومان در سینما آفریقا بپردازد. روی صحبت من در ادامه بیشتر با گروه اول خواهد بود.

در نگاه اول به پوستر فیلم اولین موردی که وسوسه کننده روح و روان است و باعث می شود ذهن شما به هیچ وجه به انتخاب این فیلم نه نیاورد، چهره شیرین و برخاطره «فاطمه معتمد آریا» ست. او به تنهایی کاری می‌کند که حتی اسم «هاتف علیمردانی» و تجربه های ناموفقش را در ساخت فیلم‌های کلیشه نادیده بگیریم. اما بیایید «علیمردانی» را در جدیدترین فیلمش به این زودی قضاوت نکنیم و دقیق‌تر به «آباجان» نگاه کنیم.

در این فیلم چند خانواده که به صورت های جالبی با هم خویشاوند هستند –که وضعیت مالی چندان خوبی هم ندارند– در یک خانه با حیاط نسبتاً بزرگ و اتاق‌هایی در دور تا دور ، زندگی می کنند. که در این فضا به فیلم هایی مثل «ابد و یک روز» «هیچ» و… شبیه است. اما اصلی ترین بحران این خانواده نسبتاً بزرگ واقع در زنجان، قرار داشتن در بحبوحه جنگ تحمیلی دهه شصت است. که بجز سکانس هایی در ابتدا و انتهای فیلم این بحران ابدأ حس نمی شود. چالش بعدی این خانواده که بیشتر متوجه مادر دلسوز و همیشه نگران خانواده (فاطمه معتمد آریا) است، بی خبری از پسرش است که به جبهه رفته است. این خود بهانه‌ای برای شکل گیری کشمکش هایی در نبض خانواده ودر بین اعضا شده است. و اما مهمترین نقد آخرین اثر «علیمردانی» به فیلمنامه اش وارد است. اخیراً فیلم هایی در جمله «هفت ماهگی»، «کوچه بنام»، «مردن به وقت شهربور» را از او بر روی پرده سینما دیده ایم که به مدت کوتاهی از هم اکران شده اند. و بدون اغراق یکی از دیگری غیر منطقی تر و بی معناتر بوده است. اما اکنون با همان رویکرد ولی با نام «معتمد آریا» مردم را به سینماها می کشاند.

«آباجان» فیلمنامه‌ای سراسر گنگ، بی نهایت کلیشه‌ای (ترفندهای تکراری علیمردانی در فیلم های سابقش حتی با همان بازیگرها) و شخصیت پردازی بسیار ضعیف دارد. فیلمی که حتی از تمام ظرفیت «معتمد آریا» استفاده نکرده است. در فیلم مذکور مخاطب به طور مداوم شاهد بحران های ریز و درشت و بی ارتباط به موضوع اصلی فیلم قرار می گیرد. گویا نویسنده فقط قصد دارد هر چند دقیقه شوکی به مخاطب وارد کند بدون آنکه جایی در فیلمنامه و خط داستانی برای آن بیابد. از آن عجیب تر واکنش نامتعارف اعضای خانواده نسبت به اینگونه حوادث است.به طور خلاصه «آباجان» مخاطب را در انتهای فیلم با انبوهی از سوالات تنها می گذارد. واقعیت این است که «آباجان» با نقش آفرینی ها، بازی های گاه بی‌دعا و صمیمی بازیگرانش و دیالوگ های شیرین «معتمد آریا» قابل دیدن است. از دیگر نقش آفرینان این فیلم می‌شود به «سعید آقاخانی» و «شبنم مقدمی» اشاره کرد که بازی های قابل قبولی را ایفا کردند.

در انتها لازم است اضافه کنم مهم نیست متعلق به گروه اول یا دوم هستید اگر قصد دیدن «آباجان» را دارید، آن را نه به خاطر «علیمردانی» بلکه به خاطر «معتمد آریا» ببینید. حتی اگر بنا است گول اسم او را بخورید بگذارید گول بخورید! چراکه گول خوردن از جنس «معتمد آریا» باز هم هم دلپذیر است.

شک نکنید او شما را حتی در «آباجان» هم تحت تاثیر قرار خواهد داد. ولی گذشته از این ها نیاز است در پایان بگویم؛ حقیقت غیر قابل کتمان این است که سایه فیلم هایی نظیر فیلم های ذکر شده سالهاست که بر سر سینمای ایران سنگینی می کند و وقت، تفکر و پول مردم را به تاراج می برد.

اخراج، در عصر صنعت هنر

درس های فلسفه‌ی هنر

گام از اصل خود که در ذهن بود، دور شده و وقتی که شما نقاشی آن ساخته‌ی خود را می کشید، دو گام دور می‌شود.(از ذهن به کوزه ی سفالین و از کوزه به بوم نقاشی)، برای همین، افلاطون هنرمندان(شاعران) را از آرمان‌شهر خود اخراج کرد.

برای یونانیان و بزرگ‌ترین فیلسوفانشان، تفاوتی ارزشی و کیفی میان «انواع ساختن» وجود نداشت. خواه ساختن شعری یا تصویری یا ساختمانی و یا یک کشتی. هم‌چنین در دوره ی رنسانس هم میان فن و هنر تفاوتی قائل نبودند؛ حتی در نیمه‌ی نخست سده‌ی هجده باخ خود را نه هنرمند، بلکه صنعتگر می‌دانست؛ تا این که گوته او را این‌گونه ستایش کرد: «موسیقی باخ، مکالمه‌ای در ذهن خداوند است، در آغاز آفرینش جهان» حتی کلمه‌ی «art» نیز تغییر معنا داده است و قبلاً به‌معنای حرفه و فن بوده است.

به‌طور خلاصه در این شماره، به مباحث زیر پرداختیم:

•هنر یکی از انسانی ترین اتفاقات بشر است که رابطه‌ای تنگاتنگ با حقیقت دارد.(خواه مستقیم یا معکوس)

•به‌نظر افلاطون، هنرمندان به‌دلیل دوری از حقیقت،باید از آرمان شهرِ او اخراج شوند.

•تاچند قرن قبل،هنرمندان،نوعی «صنعتگر» شمرده‌می‌شدند.



زندگی اش در هنر!

نگاهی به کارنامه هنری «استانیسلاوسکی»



سارا برومندى

کارشناسی حقوق ۹۲

انگیزه تاسیس تئاتر هنر مسکو در ۱۸۹۷ و دیدار تاریخی «کنستانتین استانیسلاوسکی» و «ولادیمیر نِمیروویچ دانچنکو» داخل رستوران اسلاویانسکی،در دل بازار، ایجاد شد. دانچنکو، درام‌نویس و کارگردان برجسته و استانیسلاوسکی بازیگر و کارگردان مطرح تئاتر به امید به هم ریختن قراردهای نخ‌نما شده‌ی تئاتر روسیه ، «تئاتر هنر مسکو» را تاسیس کردند. قراردادهایی نظیر دسته‌بندی فله‌ای بازیگران(مانند «نقش اول»، « نقش اول نوجوان» و…) و سیستم ستاره‌محور.

قرار بر این شد که در کار اجرایی ، تصمیم‌گیری نهایی با استانیسلاوسکی باشد و مسائل مربوط به «دراماتورژی» و «رپرتوار»(مجموعه‌ی نمایشی. مجموعه آثاری که برای یکی فصل،انتخاب و اجرا می‌شد.) با دانچنکو. تقسیم‌بندی که طبیعتاً بعدها به هم خورد. استانیسلاوسکی بیشتر به رپرتوار کلاسیک تمایل داشت در حالی که از منظر دانچنکو تئاتری که زندگی معاصر را نشان ندهد محکوم به فنا بود. به همین دلیل دانچنکو اجرای آثار «چخوف» را مناسب می‌دید. استانیسلاوسکی در عین حال، چخوف را نماینده‌ی مناسبی برای درام‌نویسان معاصر نمی‌دانست؛ اما در نهایت با اجرای «مرغ دریایی» موافقت کرد. چخوف که از اجرای قبلی این نمایشنامه‌اش توسط گروهی دیگر ناراضی بود، به سردی این پیشنهاد را قبول کرد. بعدها استانیسلاوسکی گفت:

«چخوف، به صحنه آن حقیقت درونی را بخشید که اساس و پایه‌ی چیزی شد که بعدها به سیستم استانیسلاوسکی شهرت یافت. دست یافتن به این سیستم، باید از طریق چخوف باشد و این سیستم پلی است برای به صحنه آوردن آثار وی.»

سیستم بازیگری استانیسلاوسکی، معروفترین سیستم بازیگری در دنیا است. سیستمی که مانند شخصیت خود استانیسلاوسکی انعطاف‌پذیر و پویا بود. این سیستم به هر کشوری که پا گذاشت، متناسب با فرهنگ و نیازهای آن کشور و جامعه‌اش تغییراتی یافت. در آمریکا به وسیله‌ی «لی استرازبرگ» متناسب با نیازهای بازیگر آمریکایی درآمد. نگاهی به نام شاگردان لی استرازبرگ نشان‌دهنده‌ی کارآیی‌های این سیستم است. کسانی نظیر: «مارلون براندو»، «جیمز دین»،«استیو مک کوئین»،«آل پاچینو»، «مریلین مونرو» و… سیستم استانیسلاوسکی در کنار سایر تغییرات، سه مرحله‌ی بزرگ تحول را پشت سر گذاشته است:

مرحله‌ی اول-«**بازآفرینی کاراکتر**»؛ از طریق کار با بدن. تقلید از تیپ فیزیکی و استفاده از خصوصیات ظاهری همچون گرم، لباس و نحوه‌ی راه‌رفتن. مثلاً در نقش یک کهنسال، بازیگر ابتدا باید وضعیت جسمانی یک شخص کهنسال را تقلید کند.

مرحله‌دوم-«**تشویق بازیگران به تعمق در پیش‌زمینه‌ها و انگیزه‌های کاراکتر**»، استفاده از یک «اگر» جادویی. «اگر چنین چیزی در زندگی واقعی برای من رخ می‌داد، چگونه رفتار می‌کردم؟» بعدها استانیسلاوسکی دریافت که این اگر باعث افزایش خودآگاهی و در نتیجه ناتوانی در اجرا می‌شود.

مرحله‌ی سوم-«**دوره‌ی مواجهه با شکست مرحله دوم**»؛ باطل شمردن بخشی از سیستم و بازگشت به کار با بدن. در تمرینات «تارتوف» اثر مولیر به بازیگرانش گوشزد می‌کرد:«هنگامی که بازیگر دنبال دلیل می‌گردد، اراده ضعیف می‌شود. بحث نکن! فقط انجام بده»

تمام این تغییر و تحولات از شخصی مانند استانیسلاوسکی بعید نبود. به نظر می‌رسد ریشه‌ی این انعطاف‌پذیری را باید در عشق او به هنر دانست. «هنر را در خودتان دوست داشته باشید نه خود را در هنر.»

این انعطاف‌پذیری را می‌توان در مواجهه‌اش با «میرهولد» و «کریگ»، دو کارگردان بزرگ و نابغه‌ی قرن بیستم دید. وسوالد میرهولد از شاگردان و دانش‌آموختگان تئاتر هنر مسکو بود. وی کاملاً از واقعگرایی تئاتر هنر مسکو روگردان و در پی در هم شکستن قراردادهای واقعگرایی در صحنه بود. استانیسلاوسکی که خود مدت‌ها بود در پی چیز تازه‌ای در هنر می‌گشت، کارگاهی تاسیس و اداره‌ی آن را به میرهولد سپرد.

«ادوارد گوردون کریگ»، نابغه‌ی انگلیسی، در پی استفاده از «حرکت و نور»، برای تجسم نمایش و کاهش نقش بازیگر بود. استانیسلاوسکی پس از خواندن مقاله‌ی کریگ به نام«هنرمندان تئاتر آینده» برای اجرای هملت در تئاتر مسکو از کریگ دعوت به همکاری کرد. تمرینات این اجرا به دو دلیل حدود دوسال به درازا کشید. اول بیمار شدن استانیسلاوسکی. دوم ایده کریگ مبنی بر استفاده از پاراوان‌های متحرک به جای پرده‌های عقب صحنه. این پاراوان‌ها به صورت خودبه‌خودی تغییر شکل می‌دادند. لذا نیازی به تغییر دکور نبود. سرانجام پس از دوسال، زمانی که تنها یک ساعت به اجرای هملت مانده بود و تماشاگران درحال ورود به سالن بودند، پاراوان‌ها درهم شکست و فرو ریخت. اجرا به هیچ عنوان باب طبع کریگ و استانیسلاوسکی نشد.

استانیسلاوسکی تالیفاتی دارد. نظیر «بازیگری خود را می‌سازد» و «زندگیم در هنر» که حاصل یک عمر فعالیت هنری و تجربه و تحقیق است.

در هر حال وجود چنین هنرمندانی در هر عرصه‌ی هنری ضروری‌تر از هر چیزی است؛ کسانی که همواره در حال تحول و تکامل قدم برمی‌دارند و مدام در آثارشان تجدیدنظر می‌کنند. افرادی که همواره مشتوق استعدادها و ایده‌های نو بوده‌اند. آری! کنستانتین استانیسلاوسکی نیز اینچنین بود.

کافه تریا

۷

نیمه دوم فروردین ۶۱

اشرف زاده: آلبوم جدیدم قبل از ماه رمضان منتشر می شود

حجت اشرف زاده خواننده گفت: آلبوم جدیدم آخرین مراحل تولید را پشت سر می گذارد. وی افزود: در آخرین مراحل تولید آلبوم، ممکن است چند قطعه به آلبوم اضافه کنم و جای یکی دو اثر را با یکدیگر عوض کنم. خواننده آلبوم «ماه و ماهی» تصریح کرد: با توجه به برنامه ریزی های صورت گرفته، به احتمال زیاد آلبوم جدیدم را تا قبل از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان در اختیار علاقمندان موسیقی قرار می دهیم. وی با اشاره به زمان آغاز کنسرت های خود اظهار کرد: پس از انتشار آلبوم جدیدم، تور کنسرت های آن را در شهرهای مختلف و همزمان با پایان ماه مبارک رمضان برگزار می کنیم. خواننده قطعه «برف آمد» توضیح داد: البته پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان و پیش از اینکه با هموطنانمان در شهرهای مختلف دیدار داشته باشیم، در شهر تهران و پس از انتشار آلبوم جدید روی صحنه می‌روم. اشرف زاده همچنین گفت: در آلبوم جدیدم بیشتر به موسیقی الکترونیک حرکت کرده ام و مخاطبان بیشتری قطعه‌هایی را در فضای موسیقی پاپ از من می شنوند. وی خاطر نشان کرد: مخاطبان در ابتدا آثاری را در زمینه موسیقی تلفیقی از من می شنیدند اما در آلبوم جدید کارهایی را در زمینه موسیقی پاپ هم شاهد خواهند بود.

جاروکنندگان زمان

نوشته اورسلا ویلز- جونز

گذاشته می‌شوند، به بنادر لیورپول منتقل می‌شوند، بر روی کشتی بارگیری می‌شوند و به هند برده می‌شوند. آنجا در زمینی صنعتی و خاکی، جایی نزدیک بمبئی پاک، دسته‌بندی و رتبه‌بندی می‌شوند. سمی‌ترین و زهر آلودترین زمان باقیمانده‌ی مذاکرات صلح شکست‌خورده، اسارت‌های اشتباهی و ازدواج‌های واقعاً زهر آلود، خمیر می‌شوند و در مخزنی زیر یک پایگاه نظامی متروکه دفن می‌شوند. آنجا دو تا سه قرن طول می‌کشد تا تجزیه و دوباره بدون ضرر شوند .

باقیمانده‌ی زمان متشکل از چیزهایی مثل جلسات خسته‌کننده، قرارداهای ازدست‌رفته، اتوبوس‌های تأخیر دار و شب‌های بد در سینما پاک می‌شوند و به کشتی منتقل و از آنجا به منطقه‌ی فرآوری صادرات صنعتی گوانگ‌ژو برده می‌شوند. در اینجا فشرده و ذخیره می‌شوند و در انتظار توزیع مجدد می‌مانند. تقریباً بیست درصد مستقیماً به کارخانه‌های منطقه‌ی فرآوری صادرات می‌روند که بالاترین نرخ تولید را در جهان دارد. یک‌چهارم آن را دولت چین به‌صورت قسطنی خریده است. ده درصد از غلیظ‌ترین مواد به یک آزمایشگاه پرودت‌شناسی در کالیفرنیا فروخته‌شده. تقریباً بیست درصد دیگر محتاطانه به گروهی از مشتریان خصوصی ثروتمند که اکثراً پیرمردان ثروتمندی هستند که با زنان زیبای جوان ازدواج کرده‌اند، فروخته می‌شود.

به‌رحال جاروکنندگان زمان این کار را به خاطر سود انجام نمی‌دهند. پول به‌دست‌آمده از این معامله‌ها برای پرداخت هزینه‌ی عملیات ازجمله گردگیرها، سطل آشغال‌ها، یونیفرمها و حمل‌ونقل به‌کاربرده می‌شود. بقیه‌ی پول صرف کارهای خوب می‌شود. کسی که وقت اضافه می‌گیرد نیاز به پر کردن هیچ فرم یا درخواستی ندارد. همه‌ی آن‌ها از اینکه کمک دریافت

بیشتری نسبت به معمول وجود دارد. در کریسمس و سال جدید، جاروکنندگان زمان یک هفته تعطیلند و زمانی که در ماه ژانویه به سر کار بازمی‌گردند، با پسماند عظیمی از زمان مواجه می‌شوند که در طول این تعطیلات ازدست‌رفته، تلف‌شده و دور ریخته شده‌اند. برای آن‌ها تقریباً سه هفته طول می‌کشد تا بتوانند به خدمت عادی ادامه دهند، به همین خاطر همیشه این‌طور به نظر می‌رسد که ماه ژانویه بیشتر از ماه‌های دیگر طول می‌کشد.

جاروکنندگان زمان همیشه حضور داشته‌اند اما زندگی مدرن آن‌قدر وقت‌های تلف‌شده را در اندازه‌های بزرگ به وجود آورده است که در بعضی جاها جاروکنندگان زمان مجبور شده‌اند عملیاتشان را با خرید تعدادی کامیون‌های فشرده‌ساز، شبیه آن‌هایی که آشغال‌جمع‌کن‌های معمولی از آن‌ها استفاده می‌کنند، صنعتی کنند. آن‌ها از این امکانات برای بزرگ‌ترین مجموعه‌ها یعنی در زندان‌ها و بازارچه‌ها استفاده می‌کنند زیرا در این دو مکان، موج زمان تلف‌شده حتی فداکارترین کارگران را تهدید به غرق شدن می‌کند. اگر شما از جاروکنندگان زمان سؤال کنید، به شما چیزی حیرت‌آور خواهند گفت: زمانی که در آن لذت می‌برید هر گز زمان تلف‌شده محسوب نمی‌شود. جاروکننده یرمانی که در حال تمیز کردن ادارای بزرگ که مملو از یکنواختی بی‌حدوحصر است، مستقیم از کنار آن زنی که در حال خواندن یک کتاب فهرست تعطیلات در زیر میز است و با دقت به تصاویر سواحل استوایی نگاه می‌کند، رد می‌شود. کنار میز آن مرد جوانی که هر دقیقه را می‌شمرد و از ساعت‌ها بیزار است می‌ایستد.

ممکن است به این فکر کنید که چه اتفاقی برای وقت ازدست‌رفته بعدازاینکه کاملاً جمع می‌شود می‌افتد. هر گز نترسید، جاروکنندگان زمان بازیافت کنندگان زرنگی هستند. وقت‌های تلف‌شده جمع می‌شوند، درون تانکرهای بزرگ

بعد ازین حتی اگه دنیا بخواد با ما بمونه دیگه نیستم ...!

به یادافشین یداللهی

می خواهد مردم اشعارش را بفهمند. افشین در جواب به سوال «کدام ترانه اش از نظر خودش بهتر است» پاسخ داد:« بیتی که بیشتر اورا در گیر می کند بیت (در عشق هم آتش بزن وقتی حاجبت می‌شود/ حتی دعا هم بی‌دعا بهتر اجابت می‌شود) است.»

افشین یداللهی، در سال ۱۳۸۰ با همکاری یغما گل‌رویی، سعید امیراصلانی، عباس سجادی، محمدرضا حبیبی، افشین سیاهپوش، نیلوفر لاری و… جلساتی را تحت عنوان خانه ترانه به صورت مستقل و وابسته به هیچ ارگانی، راه‌اندازی کرد. ابتدا این جلسات در محافل دوستانه به صورت دوره‌ای برگزار می‌شد که به خواندن ترانه، نقد ترانه و جلسات کارگاهی می‌گذشت و به تدریج با افزایش تعداد شرکت کنندگان، مکان جلسات عوض شد. بهترین جلسات خانه ترانه از نظر کیفیت و کمیت در فرهنگسرای شفق برگزار می شد تا جایی که آهنگسازان مشهوری چون بابک بیات، داریوش تقی پور در آنجا حضور پیدا کردند که فرهنگسرا بعد از مدتی به دلایل نامعلومی همکاری‌اش را با‌خانه ترانه قطع کرد و خانه ترانه، ۹ ماه را در خاموشی به سر برد تا اینکه دوباره جلسات برگزار شدند. افشین یداللهی هدف از گردهمایی خانه ترانه را این‌گونه عنوان می کرد:« هیچ گاه ترانه جدی گرفته نشده نقد و بررسی انجام داده نشده، ما می‌خواستیم بچه‌های علاقه مند و ترانه سراها دور هم جمع شوند، ترانه‌ها را بشنوند و از تجربیات دیگران استفاده کنند و در واقع به گردهمایی برای تبادل نظر بین ترانه سرایان تبدیل شود و خوانندگان و آهنگسازان بتوانند بدون واسطه از خود شخص ترانه سرا، ترانه ای را که علاقه مند هستند، بگیرند.»

«روز شمار یک عشق»، «هشب کنارغزل های من بخواب»، «جنون منطقی»، «حرف هایی که باید می‌گفتم و… تو باید می شنیدی»، «مشتری میکده ای بسته»، ۵ مجموعه شعر افشین هستند. رستارهای روزی خاموش می شود. ستاره ی عمر افشین با یک تصادف شدید در خودرویش بامداد ۲۵ اسفند ۹۵ خاموش شد و جامعه پزشکی، ادبی و حتی عوام را به سوگ نشاند. قطعه ای از او هست که در زندگی اش به حقیقت پیوست، چیزی که این حادثه را دردناک تر می کند: «از مرگت ناراحت نمی‌شوم اگر قرار باشد پیش من که پیش از تو رفتم بیایی…»

همین‌طور هم شد، همسر وی که گویا به نازگی ازدواج کرده بودند بعد از ۱۵ روز در بیمارستان، روز ۱۰ فروردین فوت کرد. افشین رفت اما تا همیشه در میان اشعارش، حضور خود را جاودان کرد.

آخر قصه‌ما اقصه‌ی آخرم این نیست

آخرین راهی که باید من ازش بگذرم این نیست



می‌کنند ناآگاهند. یکی از افراد ذینفع، دانشمندی پیر و خیلی خسته در آزمایشگاهی در حال فروریختن، بیرون از نووسیبیروسک است که واکنسن مالاریا را کشف خواهد کرد. دیگری زنی است در محله‌ای فقیرنشین در نایروبی که هفده بچه را به فرزندى قبول کرده است. سومین نفر، راننده تاکسی اهل هند در آپارتمانی تنگ و تاریک در تورنتو است که مابین فرستادن پول به خانه برای زن مریض و فرزندانش در حال نوشتن کتابی است که بعدها به‌عنوان بهترین رمان قرن شناخته خواهد شد.

همه‌ی دریافت کنندگان اهداهای جاروکنندگان زمان مردم نیستند. تقریباً چهل مایل خارج از تیمبوکتو، مسجدى قرون وسطایی، مدفون در شن، تقریباً هر ده سال یک‌بار بسته‌ای دریافت می‌کند. جایی زیر سطح زمین در دریای اژه کشتی‌ای تروایی به‌طور معجزه‌آسایی در گل سالم مانده است. به همین صورت، جاروکنندگان زمان مقدار کمی وقت اضافه به معبدی در مکزیکو هدیه می‌دهند و مسیری از گنج دوران سیاه را در باتلاق گالوی حفظ می‌کنند.

مقدار مشخصی از زمان قابل بخشش برای مواقع ضروری، چه کوچک و چه بزرگ نگهداری می‌شوند. این‌ها در مواقع بیچارگی به کار می‌روند، توافق‌های صلح را ساده کرده‌اند، جنگ‌ها را تغییر داده‌اند و به بسیاری از پدران اجازه داده‌اند که به‌موقع به اتاق زایمان همسرانشان بر سند .

جاروکنندگان زمان در باطن، افرادی مرتب و منظم هستند. آن‌ها آرزو دارند که انسان‌ها بیشتر در مورد به هدر دادن این کالای باارزش فکر کنند اما انتظار ندارند که این اتفاق به‌زودی رخ دهد.

نکته‌ی اخلاقی در این داستان وجود ندارد. فقط همین است که اگر شما قصد به هدر دادن زمانتان را دارید لطفاً به خاطر داشته باشید کسی مجبور است آن را بردارد.

هیجان اجرا در ایران

گپی کوتاه با «رام» خواننده جوان راک ایرانی

– امروز خودتان را تا چه حد به اهداف موسیقایی تان نزدیک می‌بینید؟
– فکر می‌کنم به ۲۰ درصد اهدافم رسیده‌ام. هنوز خیلی کار ناتمام دارم. هم به عنوان خواننده و هم نوازنده.

– کمی از آلبومی که در راه دارید بگویید؟ چه چیزی در انتظار مخاطباتان است؟

– کلا من آهنگ زیاد می‌سازم. فلسفه ام این است که آرتیست نباید خودش را محدود کند یا از آهنگسازی پترسد. خیلی‌ها هستند که به خاطر کمال گرایی بیش از حد، هیچ وقت اثرش را منتشر نمی‌کنند. این آلبوم هم بخشی از یک آلبوم سه گانه است. داستان شخصیتی است که در دنیای پست مدرن امروز، با خودش و دنیای اطرافش کلنجار می‌رود تا بتواند به زندگی اش معنا بدهد. **– بیان عشق و احساسات در ترانه های شما به شیوه متفاوتی صورت می‌گیرد، این بیان متفاوت از کجا سرچشمه گرفته است؟**

– من از ادبیات کلیشه ای خوشم نمی‌آید، دوست دارم به طور ساده تر و واقعی تری احساساتم را بیان کنم. وقتی از یک حس خوب یا یک درد طوری حرف بزنی که کاملاً شخصی باشد، مردم بیشتر با تو ارتباط برقرار می‌کنند.

– در پایان چه سخنی برای مخاطبان نشریه وقایع‌اتفاقیه و طرفداراتان دارید؟

– فراموش نکنیم که همگی ما نقشی در بهتر کردن فرهنگ موسیقی کشورمان داریم.



حمیدرضا علیمردانی

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

پیش مصاحبه: چندی پیش به معرفی کارها و فعالیت‌های «رام» خواننده خوش ذوق و جوان سبک راک پرداختیم. در اوایل سال جدید نیز توانستیم مصاحبه کوتاه اینستاگرامی با این خواننده داشته باشیم.

– چشم انداز کاری خود را از ابتدا به چه شکل ترسیم کرده بودید؟

– راستش هیچ وقت فکر نمی‌کردم که موسیقی تبدیل به حرفه اصلی‌ام بشود، بنابراین چشم انداز خاصی نداشتم.همه چیز دست به دست هم داد که الان جایی که هستم باشم.

– به عنوان یک ایرانی، خواندن به زبان انگلیسی چه حسی برایتان داشت؟ آیا به چشم یک چالش به آن نگاه می‌کردید؟

– من خارج از ایران بزرگ شدم، بنابراین فارسی خواندن برام عجیب تر بود.

– الهام بخش شما چه کسی بوده است؟

– خیلی‌ها از من این سوال را می‌پرسند ولی نمی‌توانم یک شخص خاص را نام ببرم. چون در دوره های مختلف زندگی‌ام آدم‌ها و گروه‌های مختلفی الهام بخش من بوده‌اند، مثل Hunter S Thompson, Aldous Huxley, Roger Waters, Freddie Mercury

– مهم‌ترین رویداد موسیقایی زندگی تان را بعد از بازگشت به ایران چه چیزی می‌دانید؟

– به طور کلی در ایران اجرا کردن برایم خیلی هیجان دارد. هیچ وقت فکر نمی‌کردم در سالن‌های بزرگ ایران اجرا داشته باشم. فکر نمی‌کردم موسیقی در ایران آنقدر مخاطب داشته باشد. امیدوارم بتوانم تأثیری هرچند ناچیز در فرهنگ موسیقایی کشورمان بگذارم.

– آیا بسترهای فعالیت در داخل از کشور را مناسب می‌دانید؟

– خیلی چیزها می‌تواند در فضای موسیقی ایران بهتر شود. پروسه ارشاد خیلی پیچیده است و اگر کمی ساده تر بود، هم به نفع موزیسین‌ها بود و هم مخاطبین. سالن‌ها هم باید استاندارد سازی شوند. خیلی از مکان‌هایی که برای اجرا استفاده می‌شود، صرفاً سالن‌های همایش و سخنرانی هستند که امکانات لازم را برای برگزاری کنسرت ندارند.

هیئت تحریریه: سرویس خبرنامه: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد مجبی، سجاد ناصری، سهراب شریفی، محدثه احمدی، سینا سهیلی فر، علی میری، سرویس دارالفنون: فرناز محمدیان (دبیر سرویس)، پرینسا فتاحی، مریم رضازاده، بهنام غلامی، فاطمه نصیری، سرویس سینمایی: مهدی میلانی (دبیر سرویس)، نیلوفر عادل، نگار گزرنی، مصطفی رحیمی فر، فائزه سرفرازی، سجاد عمران، امیررضا احتشام نسب، آتوسا آریایی، سرویس ادبی: غزل طهماسبی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، محدثه هادی نژاد، اسماء سنجاق‌ساز، غزل عرفانی، هاجر رضائی، مرتضی نادری، سرویس موسیقی: نگار سنگتراش (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، سارا شجاع، حمیدرضا علیمردانی، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری، پرینسا قره‌داشی، سارا صداقت، سرویس ورزشی: زهرا جان نثار (دبیر سرویس)، نرگس جعفری، شروین رضائی، پرینسا علیزاده، سرویس تئاتر: داوود شالفروشان (دبیر سرویس)، امیر قاسمیان مقدم، بابک علائی، سارا برومند، سرویس پشتیبانی: بهاره ابراهیمی (دبیر سرویس)

طراح و صفحه‌آرا: هومن مرادی ویراستار: سحر سعادت
وبسایت: www.SDJD.ir ایمیل: vaghayemag@gmail.com

سامانه ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳

پل ارتباطی ما با شما مخاطبان

گرامی است. در صورت

تمایل به همکاری با نشریه،

می‌توانید کلمه «همکاری»

را به سامانه ارسال کنید.

جدیدترین اخبار و رویدادها در

کانال تلگرام وقایع اتفاقیه:

@vaghayemagz



باشگاه مخاطبان



کافه تریا

نیمه دوم فروردین ۹۱

بهاریه ۱

نرم نرمک می رسد اینک بهار



سعید کرابی
کارشناسی مهندسی آب ورودی ۹۳

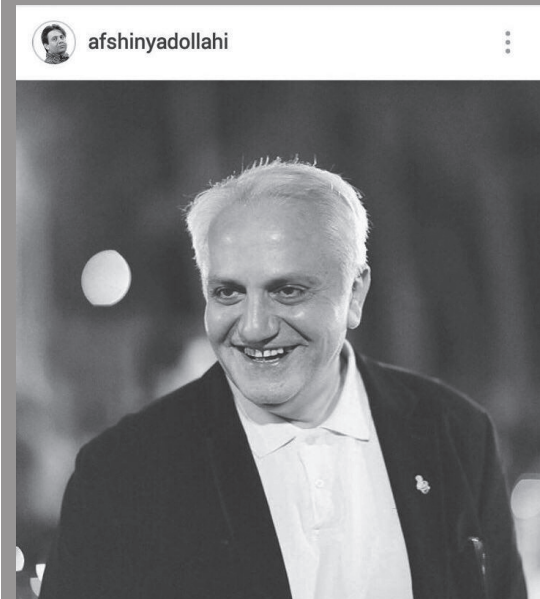
بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه های شسته، باران خورده، پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگهای رقص بید
نغمه ی شوق پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار...

این ها عباراتی زیبا از بهاریه فریدون مشیری است. در بهاریه هایش در همان ابتدا از باران سخن به ارمغان می آورد. گویا مشخصه اصلی بهار را در وجود باران می بیند که انگار طبیعت و زمان را با هم می شوید و طبیعت را برای فصل بهاری تمیز می کند. اصولا شعرهای بارانی مشیری بسیار مطرح است و شعرای شعر نو در شعرهایشان کم و بیش

در حوالی اینستاگرام



محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور اسبق کشورمان، که چندی پیش برای نامزدی در انتخابات از سوی رهبر انقلاب منع شده بود، امروز با حضور در ستاد انتخابات کشور در وزارت کشور برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم ثبت نام کرد.



«هر سال یک بار از لحظه ی مرگ بی تفاوت گذشته ام، بی آنکه بفهمم یک روز در چنین لحظه ای خواهم مرد. بعضی مرگ ها غیر منتظره است. با اینکه مرگ، غیرمنتظره نیست. هنوز چند روز به پایان سال ۱۳۹۵ مانده، این سال پر مسافر، کبیسه هم هست.» آخرین پست افشین یداللهی که برای مرحوم علی معلم نوشت؛ بی آنکه بداند خط مرگ خود را تحریر کرده است.



قضیه از این قرار بود که مرجان شیر محمدی (همسر بهروز افخمی)، این تصویر را در اینستاگرام خود بدون توضیح خاصی قرار داد و واکنش ها و قضاوت های عجیب و غریبی را به دنبال داشت. کامنت هایی نظیر: بی غیرت، به افتخار همه دگر باش ها، فراستی مستهجن تر از گشت ۲ و... این واکنش ها سبب شد مرجان شیر محمدی در پست دیگری و با تکرار این تصویر، کپشنی با این متن که همه چی دروغ سیزده بود و دماغ سوخته خریداریم را در اینستاگرام خود قرار دهد.

شاعرمقدمه‌ها را می‌چیند تا بتواند پندی که در نظر خویش بوده بدهد. گرچه ممکن است وضعیت زندگی به لحاظ اقتصاد و سرمایه‌مادیات خوب نباشد، اما این‌ها برای شاد زیستن و بهاری بودن ملاک نیست. افسوس بر انسان! که زیبایی‌های طبیعت برایت معنا نداشته باشد، اگر آفتاب او را مست نکند، اگر نسیم باد نوری به او احساس خوشایند ندهد و دریا اگر گامی نگیرد از بهار. در زمستان خود باشد و غم‌ها را از خود نزداید. غم‌ها فزونی می‌یابند و از هر در مشکلی صدها مشکل دیگر به وجود می‌آید (گر تکوبی شیشه ی غم را به سنگ هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ). پس شاد زیستن به ثروت و سرمایه نیست و فاکتورهای مهم تری در شاد زیستن آدم‌ها وجود دارد.

این شعر را استاد شجریان با نام تصنیف بوی باران در آلبوم بوی باران در دستگاه چهارگاه خوانده اند که بسیار زیبا و شنیدنی است. دستگاه چهارگاه که دارای ابهت و طنین حماسی است، به فضای شعر رنگ بسیاری دهد و ابهت بهار را استادانه به تصویر می‌کشد و استاد شجریان در توصیف زیبایی‌های بهار خیلی زیبا و دلنواز آن‌ها را در گوشه‌های این دستگاه می‌خوانند.

احساساتشان را از باران و زیبایی هایش می‌گویند. شاعر چند اتفاق را در بهار به نمایش گذاشته و می‌گوید این هاست که آمدن بهار را مزه می‌دهند و در آخر هم اشاره دارد که خوش به حال روزگار. این سخن شاید کمی انتقادی جلوه کند؛ چرا که روزگار باران، سبزه، خاک، شوق پرستو و کبوترها را درک می‌کند و استقبال گرمی از بهار می‌کند؛ قدم‌های نزدیک شدنش را می‌شمارد؛ اما آیا انسان‌ها نیز همگام طبیعت دچار تغییر می‌شوند؟ همان‌طور در پی بهاری شدن می‌شتابند؟ یا هنوز در زمستان غم‌هایشان در انتظار روزنه‌ی امیدی در زندگی شان سیر می‌کنند؟ پس بهاری شدن را باید از روزگار و زمان به ارث برد. خوش به حال چشمه‌ها که همواره می‌جوشند، خوش به حال دشت‌ها که همگان را در وسعت وجودشان جای می‌دهند و خاک را از نعمت آفتاب بهره‌مند می‌سازند. خوش به حال زیبایی‌های غنچه‌ها و خوش به حال دختر میخک که با ناز می‌خندد و چه و چه و چه... تا این که خوش به حال آفتاب که گرمی زندگی را فزونی می‌دهد. این همه زیبایی را باید دید. شاعر این‌ها را می‌بیند و بشر را به درک این زیبایی‌ها فرامی‌خواند. در این جا

بهاریه ۳

بوی بهار می شنوم از صدای تو



فروزان قدوسی مقدم
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۵

بهار، فصل ربیع است. یعنی بودن آفتاب در برج حمل، ثور و جوزا.
همان فروردین و اردیبهشت و خرداد خودمان! اما این مهم نیست می‌توانست ماه‌های آن بهمین، آذر، مرداد باشد.

مهم جوانه زدن و دوباره پوشیده شدن تن لخت درخت هاست. اینکه بفهمیم دوباره سرسبزی هست معنایی معادل امید و امیدواری دارد.

همیشه صحبت از عشق‌های پاییزی گوش دنیا را کر می‌کند و اینکه پاییز فصل عاشقانه هاست. اما به یقین بهار پادشاه عشق است. کسی که سوز سرمای پاییز را چشیده، یخ زدن زمستان را تحمل کرده، صدای هرس

بهاریه ۴

آب زیند راه را، هین که نگار می رسد



غزل طهماسبی
کارشناسی مترجمی فرانسه ۹۴

آب زیند راه را، هین که نگار می‌رسد
مژه دهد باغ را، بوی بهار می‌رسد
راه دهد یار را، آن مه ده چهار را
کز رخ نور بخش او، نور نثار می‌رسد
چاک شده است آسمان، غلغله ایست در جهان
عنبر و مشک می‌دمد، سنجق یار می‌رسد
رونق بار می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد
غم به کنار می‌رود، مه به کنار می‌رسد

بهار و طراوتش همواره مورد توجه شاعران ادوار مختلف بوده است. بهار تجلی زیبایی‌های الهی بر روی زمین سرمازده‌ی زمستان است. بهار ابزار ابراز عشق است؛ بهستان زیبایی هایش را بی‌دریغ

به شاعر می‌بخشد تا جمال رخ یار را آن‌طور که شاید، توصیف کند.
مولانا نیز از الطاف بهاری در اشعارش کام گرفته است و این غزل را به مناسبت بازگشت شمس صوفی مسلک سروده است. او به بهار مزه‌دهی از راه رسیدن شمس تبریزی را می‌دهد و شمس نیز هم‌چون ماه شب چهارده در آسمان قلب مولانا نورافشانی می‌کند. بهار شاعر، معشوق است و تمام طبیعت شادمانه پذیرای یار است تا با حضورش بهاری نفس بکشد.

این غزل معروف که در ادبیات غنایی جای می‌گیرد، توسط صدای اعجاب انگیز شهرام ناظری و دیگران توسط محمد عقیلی در ابتدای انقلاب و برای ورود امام خمینی (ره) اجرا شده است. شاید بهار در شعر مظلوم باشد؛ چراکه همواره زیبایی هایش را وام‌دار معشوق است. همیشه یار مثل بهار زیاست؛ اما کمتر بهاری است که مثل یار زیبا باشد.

